

اجابہ ولادت

جایگاہ و شخصیت امام مہدی (عج) در
دعاهای عارفانہ ی امام رضا (ع)

نویسنده
رحیم قربانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجابت ولایت

(جایگاه و شخصیت امام مهدی «عج» در دعاهای عارفانه‌ی امام رضا «ع»)

رحیم قربانی

سر شناسنامه: قربانی، رحیم، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدید آور: اجابت ولایت (جایگاه و شخصیت امام مهدی عج در دعاهای عارفانه امام رضا) /

رحیم قربانی. مشخصات نشر: تبریز: یاس نبی، ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص

شابک: ۹۰-۹-۷۵۵۴-۹۶۴-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳-۲۰۳ق. - دعاهای

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - موضوع: مهدویت - انتظار

رده بندی کنگره: الف ۳۳ق/۱۳۸۹ BP۵۱۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۶۶۷۸۶



دفتر مرکزی: تبریز / خیابان آزادی / خیابان شهید جدیری / تقاطع خیابان شهید آشتاب /

شماره ۱۵۶ تلفکس: ۰۴۱۱-۳۳۵۶۶۰۵

دفتر قم: خیابان ارم / روبروی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی / ساختمان ناشران /

واحد ۲۶ تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۰۴۷۸

www.yassinco.com

[E-mail:info@yassinco.com](mailto:info@yassinco.com)



عنوان کتاب: اجابت ولایت

«جایگاه و شخصیت امام مهدی(عج) در دعاهای عارفانه‌ی امام رضا(ع)»

نویسنده: رحیم قربانی

ویراستار: زهرا مولایی

ناشر: انتشارات یاس نبی ۰۴۱۱-۳۳۵۶۶۰۵

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۱۲

شابک: ۹۰-۹-۷۵۵۴-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

قطع کتاب: رقعی

فهرست / صفحه

تقریظ.....	۵
پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
۱. دعا در قنوت نماز جمعه.....	۱۴
۲. دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).....	۱۶
۳. دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).....	۲۳
۴. توسل به امام عصر (ارواحنا فداه).....	۲۶
فصل اول: ابعاد دعای معصوم.....	۳۳
۱. استجابت دعای امام معصوم.....	۳۳
۲. ابعاد تصرفی امام در کائنات با دعا.....	۴۰
۳. ابعاد تربیتی.....	۴۳
۴. ابعاد تعلیمی (بیان مضامین اعتقادی).....	۴۵
فصل دوم: ویژگی های وجودی امام عصر (ارواحنا فداه).....	۴۹
۱. ولیّ الله اعظم در مراتب توحید افعالی.....	۴۹
۲. هم ردیف بودن امام عصر (ارواحنا فداه) با انبیا و ملائکه.....	۵۸
۳. صفات ولایی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).....	۶۰
۴. سبب متصل بین آسمان الوهیت و زمین بشری.....	۷۰
فصل سوم: صفات امامت و ولایت امام عصر (ارواحنا فداه).....	۸۱
فصل چهارم: امام زمان (ارواحنا فداه) در عصر غیبت.....	۸۳
۱. امام در عصر غیبت.....	۸۳
۲. اصحاب امام در عصر غیبت و فرهنگ انتظار.....	۸۸
فصل پنجم: عصر ظهور.....	۹۹
کتابنامه.....	۱۰۸

تقدیم

به مجاور آستان دوست، هم او که سال با چشم به راه آمدنش ثانیه های بی ثمر را به ضریح چشم های
منظر و صدمه می زنیم تا شاید گاهی بی گاهی باران را نوید قدم پر صلابتش یابیم و همه می رسالت
آدمی را به او اقد کنیم.

به او که قلب هستی است و جریان حیات را به کالبد جهان می بخشد و همواره در تار پودتن و جانمان
روان است و ما غافل از نفس های مهدوی خویش در کیر روزمرگی گشته ایم.
باشد که در سایه سار عنایتش از خواب آشفته می غفلت بر خیزیم و نفس هایمان را احساس کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد (صلى الله عليه وآله) و على اهل بيته الطاهرين لا سيما على بقية الله الأعظم و الحجة الثانية عشر ارواح من سواه فداء.

یادآوری نکاتی چند در رابطه با کتاب «اجابت ولایت» نوشته‌ی دانشمند بزرگ و عالم ربّانی جناب رحیم قربانی - دام عزّه السامی - پیرامون جایگاه و شخصیت امام مهدی (ارواحنا فداء) در دعاهاى عارفانه‌ی امام رضا (علیه السلام) شایان اهمیت است:

۱. آمادگی فرهنگی جهان: روزگار ما هنوز به رشد کامل و بلوغ عقلی شایسته دست نیافته است؛ هنوز صدای معارف اسلام در همی مناطق کوهی خاکی و گوشه و کنار دنیا طنین انداز نشده است؛ آموزه‌های متعالی آن هنوز گوشزد جهانیان نگشته و شهد شیرین و جان افزای آن نوش جانشان نشده است؛ و پرتوهای آسمانی آن هنوز دیده‌ی دل آنان را روشن نکرده است. هنوز جهان با مبادی و مبانی فرهنگ مترقی دین مبین اسلام و رهاوردهای انسان‌ساز آن آشنایی کامل پیدا نکرده و خرد فطری خویش را در آن شکوفا نکرده است. هنوز حاکمان و دولتمردان بزرگ دنیا نتوانسته‌اند آسیب‌ها و رنج‌های بشر را درک کرده و آن‌ها را برطرف کنند. مشکل‌ها و ضعف‌های بشر چنان زیاد است که بحران بی‌عدالتی روز به روز در جوامع بشری بیشتر می‌شود. از این رو اندیشمندان و سرمداران جهان خواهان اصلاح و بازسازی جدی جهان و سیستم حاکم غیر الهی نیستند.

این همه مصیبت از آن جهت دامنگیر بشریت شده است که نقش آفرینی عینی و مشهود انسان کامل و تجلی تمام عیار خدا نمایان نگشته و هنوز بشریت به خلأ مربوط به رابطهای میان خدا و بشر پی نبرده است تا قدر وجودی او را بشناسد که «ما قدروا الله حق قدره» (انعام/۹۱). از این رو شناساندن این نازنین نگار هستی به جهانیان ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

۲. شناخت حضرت مهدی (ارواحنا فداه): شناخت افراد گاهی ساده و بی‌پیرایه انجام می‌پذیرد (مثل شناخت انسان‌ها از روی شناسنامه‌ی آنها)؛ و گاهی هم از روش‌های تحلیلی و بنیادی مثل تحقیق و بررسی آثار وجودی شخص نظیر بناهای معماری صورت می‌پذیرد؛ و گاهی نیز فراتر از شناسنامه و آثار وجودی، شناخت و معرفی یک شخص نه بشر بلکه خدا و فرستادگان او می‌باشد که توصیف آن در قرآن و سخنان گهربار خاندان نبوت انعکاس یافته است. شناخت امام زمان (ارواحنا فداه) از این قسم است و نمی‌توان وی را به غیر از روش سوم به طور کامل شناخت؛ یعنی فقط امام معصوم است که توان شناخت و معرفی قائم آل محمد را دارد. زیرا شخصیت و ابعاد وجودی امام عصر (ارواحنا فداه) از افق فکری اندیشوران، فرهیختگان، حتی نوابغ و هوشمندترین انسان‌ها خارج است و چنین نگاهی بسیار فروتر از جایگاه ملکوتی و الهی ساحت اوست که جلوه گاه ذات، اسماء، و صفات خداوند است.

اگر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) چونان امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش (علیهم السلام) قرآن ناطق است و آن چه در این کتاب مبین آمده است در وصف او قرار می‌گیرد، همه‌ی تفاسیر و تأویلات قرآن در شأن وی رقم می‌خورد. زیرا او کلمه‌ی تام وجودی ما سوی الله است که:

کتاب فضل تو را آب کافی نیست

کہ تر کنم سر انگست و صفحہ بشمارم

با این توضیح، حضرت رضا (علیہ السلام) بہ عنوان عالم آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) او را با ویژگی های وجودی زیر معرفی کرده است کہ فہم آنہا مبانی و اصول حکمی و عرفانی ویژه خود را دارد و نباید بہ سادگی از کنار آنہا گذشت: ولی اللہ، حجة اللہ، بقیة اللہ، لسان اللہ الناطق، عین اللہ الباصرة، المجاہد فی سبیل اللہ، ممیت الظلمة، معز المومنین، محیی سنن الانبیاء، محیی الدین، المعصوم، صفی اللہ، معدن علم اللہ، ارکان التوحید، الطاہر، الہادی، النقی، الزکی، التقی، و ...

شرح این اوصاف دفتری معنوی می طلبد کہ کتاب حاضر برگی از اوراق معرفت بار الہی آن می باشد.

۳. شناخت یاران حضرت مہدی (ارواحنا فداہ): شناختن ہمراہان و یاوران احیاگر حق و حقانیت نیز لازمی شناختن آن حضرت است. برخی از ویژگی های یاران بی بدیل حضرتش چنان کہ در برخی احادیث آمده و در سرتاسر این کتاب شرح شدہ است عبارتند از: شجاعت چونان شیر، قاطعیّت چونان شمشیر، نافذ چون نیزہ، تأثیرگذار چون آتش گداخته، فرمانبردار، هموارہ ہمراہ با او، باقی در حزب وی، با صبر و استقامت، حق خواه، برکنار از ہرگونہ سستی تبلی و کاهلی. در قیامت نیز ہر گروہی را با رہبر و مقتدایش می خوانند: «یوم ندعو کل أناس بإمامہم» (اسری/۷۷). بہ امید آن روز کہ ہمہ منتظران و چشم بہ راہان حضرتش از جملہی آن مردمانی شمرده شوند کہ در زبان گویای اہل بیت توصیف گشتہ و در این نوشتار بہ زیبایی و ظرافت بہ تصویر کشیدہ شدہ است.

ما ہمہ جسمیم بیا جان تو باش

ما ہمہ موریم سلیمان تو باش

با توجه به این سه نکته می‌توان در باب جایگاه کتاب حاضر سخن گفت؛ بهترین و کاملترین را برای تحقق معرفت الهی درباره‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) است که در این کتاب بدان توجه شده است. یکی از بیانات شفاف و بی‌پرده‌ی اهل بیت (علیهم السلام) دعاهای ایشان در پیشگاه خداوند است که مهم‌ترین شاهکار نوشتار حاضر شرح کم نظیر دعاهای عرفانی و عارفانه‌ی ایشان درباره‌ی جایگاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. تبیین ابعاد وجودی و معرفت‌بخشی نسبت به آن بلندآشیان عشق یکی از جنبه‌های مهم دعاها است که نویسنده‌ی محترم با تبحر و دقت کامل به این وظیفه‌ی الهی عمل کرده و زوایای مخفی و اسرار دعاهای امام رضا (علیه السلام) را واکاوی نموده است. این کتاب در واقع دریچه‌ای از نقطه نظر عرفان و حکمت به شناخت وجه الله و آینده‌ی تمام نمای حضرت حق می‌باشد تا بلکه اهل معرفت به کشف و تبیین سایر اسرار و ابعاد این دریای موج همت بگمارند و منتظران حضرتش با نگاه تازه شسته در جویبار الهی این کتاب به شناخت آن حضرت در بستر معارف دعاهای امامان معصوم (علیهم السلام) بپردازند.

به امید روزی که با آمدنش غم سنگین جهالت را از ما بزداید و درهای معرفت ربانی خویش را به روی حقیقت جویان عالم بگشاید که همه‌ی دانش‌های عالم در وجود ایشان موج می‌زند.

قم مقدس: علی زمانی قمش‌های

۱۳۸۹/۸/۲۵ شمسی / برابر با روز عرفه ۱۴۳۱ قمری

پیشگفتار

گفتند خلائق که تویی یوسف ثانی

چون نیک بدیدم به حقیقت به از آنی

شناخت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از واجبات هر مسلمانی است از راه‌های گوناگونی قابل دریافت است. اما شناخت جایگاه و ابعاد شخصیتی مرکز دایره‌ی هستی از زبان و زاویه‌ی نگاه کسی که خودش هم ردیف آن حجت قاطع الهی است، از اعتبار و ارزش برتری نسبت به سایر منابع شناخت برخوردار می‌باشد؛ یعنی یافتن یک امام شناسی معتبر که ارزش معرفتی خود را از چارچوب بیانات امامان معصوم (علیهم السلام) برگرفته باشد انسان را دارای حیات معنوی مطلوب می‌گرداند. بنابراین، توجه به بیان ائمه (علیهم السلام) درباره‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای اهمیت به سزایی است و در این میان دعاهای آن بزرگواران و آن چه که از معارف بسیار ناب و دست نخورده در این دعاها وارد شده است، در طول تاریخ شاید کمتر مورد توجه و بررسی محققان واقع شده است. توجه به ابعاد آموزشی و پرورشی این دعاها زوایای ظریف و زیبایی را در اندیشه‌ی ناب شیعی مشخص کرده و افق‌های گسترده‌ای از عقاید پویا و معنویت متعالی را پیش روی مسلمانان و حقیقت‌جویان عالم می‌گستراند. در این میان دعاهای امام هشتم؛ سلطان دل‌های عاشق، حضرت رضا (علیه السلام) دارای ابعاد و جایگاه ویژه‌ای است که نوشتار حاضر به بررسی ابعاد

مختلفی از دعاهای ایشان می‌پردازد؛ زیرا بررسی دعاهای آن حضرت برای ما ایرانیان نیز ارزش دیگری دارد که از این نقطه نظر علاوه بر شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ابعاد دانش‌های الهی خود امام رضا (علیه السلام) نیز بیشتر نمایان می‌شود که به حق عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نامیده شده است. در این راستا به مسایلی چون ابعاد دعای امام معصوم، ویژگی‌های وجودی حضرت امام عصر (ارواحنا فداه)، صفات مربوط به امامت و ولایت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تصویری از عصر ظهور آن حضرت که در این دعاها مطرح شده است پرداخت می‌شود.

این نوشته با تکیه بر مبانی عرفان نظری و اندیشه‌ی ناب شیعی که توسط بزرگان اهل معرفت مثل سید حیدر آملی و حضرت امام خمینی (ره) مطرح و اثبات شده است، به تبیین، تحلیل و توضیح مطالب گوناگون مطرح شده توسط امام رضا (علیه السلام) در دعاهای خود پرداخته و البته تا حد امکان از تعبیر ساده و آشنا به ذهن و زبان مردم ایران زمین بهره گرفته است؛ اما اگر در برخی موارد اصطلاح یا تعبیر عرفانی و علمی به کار رفته است، علی‌رغم این که در پاورقی توضیح داده شده است، اما دشواری آن به دلیل ناقص بودن الفاظ از بیان عمق حقایق است نه اصطلاحات مربوطه. از این رو، شاید لازم باشد که خواننده‌ی محترم در چنین مواردی به کارشناس عرفان و اخلاق، یا کتاب‌های استاد مطهری، حضرت امام و علامه جعفری (ره) مراجعه نماید. ولی امید است که قلم نوشته به حد کافی قابل فهم بوده باشد که برای این منظور از امام رضا (علیه السلام) استمداد می‌طلبیم.

در این مجال به جا است از استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج شیخ علی زمانی قمشه‌ای (روحی له الفدا) یاد کنم و از زحمات چندین ساله‌ی ایشان قدردانی/نمایم که چون پدری دلسوز با تربیت شاگردان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آنان

را در سایه‌ی برکات نفس‌های رحمانی و دم مسیحایی خویش به آسمان‌های معارف و مقامات تجلی الهی عروج می‌دهد؛ به ویژه این که نوشتار حاضر را چون سایر نوشته‌های حقیر با حوصله و دقت تمام ملاحظه و مطالعه نموده و نکات اصلاحی و تکمیلی نابی را یادآور شدند که به کامل تر شدن مطالب و صحت مبنایی آن کمک شایان توجهی کرد.

در ضمن از همه‌ی عزیزانی که در انتشارات یاس نبی نقشی در آراستن این اثر به زیور چاپ داشتند، سپاس و قدرانی کرده و از خداوند منان توفیق روزافزون را برای ایشان خواستارم.

یادآوری یک نکته برای خوانندگان عزیز ضروری است و آن این که ضمن دعا در حق مولایمان امام عصر (ارواحنا فداه) و درک عمیق معارف اهل بیت در زلال دعاها و بیانات والای امام رضا (علیه السلام)، نویسنده را از پیشنهادات، انتقادات اصلاحی و دعای خیر محروم نگردانید.

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

یک فروغ رخ ساقیست که در جام افتاد

با آرزوی توفیق روزافزون و توجهات ویژه‌ی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)

رحیم قربانی تبریزی

آبان ماه ۱۳۸۹ شمسی / برابر با ذی الحجّه ۱۴۳۱ قمری

Qorbani3000@yahoo.com

مقدمه

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد

ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

هر امام معصومی نسبت به ابلاغ و تعلیم معارف مربوط به قائم آل محمد و وظیفه‌ای تعیین شده داشته که همه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) به گونه‌ای به این رسالت بزرگ الهی عمل کرده و در معرفی ابعاد شخصیت و جایگاه حقیقی ایشان در مجموعه‌ی خلقت کوشیده‌اند. یکی از جنبه‌های کوشش ایشان در این مسیر، ارائه‌ی دعاهایی با مضمون‌های معرفتی، اخلاقی، اعتقادی (توحیدی، نبوی، و امام شناسی) و اجتماعی می‌باشد که هر یک از ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) دعاهایی با مضامین مختلف به شیعیان خود تعلیم نموده‌اند. حال تحلیل علمی و بررسی دقیق این دعاها برای تبیین ابعاد آموزه‌های (دعاهای) مهدوی ضرورتی اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. امام رضا (علیه السلام) که از زیان پدر بزرگوارشان لقب «عالم آل محمد» یافته است،^۱ بسیاری از زوایای پنهان معارف و تعالیم والای تشیع را بر بزرگان همه‌ی ادیان و مذاهب نمایان ساخته و برای هر یک از فرقه‌ها و مکاتب بر

۱. مولی محسن فیض کاشانی، المحججه البيضاء فی إحياء الإحياء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم،

اساس کتاب مقدس خودشان صحبت کرده است. در خلوت ربّانی خود نیز حقایقی را در ظرف الفاظ ریخته که بررسی و واکاوی همه‌ی ابعاد آنها و نوشتن آن، فرصت و حجمی بسیار فراوان تر از حساب عادی کتاب‌ها و نوشته‌های معمولی خواهد طلبید. نوشتار حاضر فقط به بررسی دعا‌های امام هشتم؛ سلطان طوس حضرت رضا(علیه‌السلام) درباره امام عصر اوارحنا فداه می‌پردازد که در واقع قطره‌ای از دریای خروشان اندیشه‌های الهی آن امام همام می‌باشد.

رویکرد این نوشتار بر اساس مبانی و اصول نظری و نقلی عرفان نظری بوده و علی‌رغم حفظ چارچوب کلامی و نقلی مباحث، به هیچ‌رو با مباحث و ظواهر علم کلام به ویژه کلام سنتی که جنبه‌ی نقلی در آن وجه غالب دارد و اصول فلسفی در آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، قابل‌سنجش و ارزیابی نیست. از این رو نوشتار حاضر افق‌هایی از اندیشه‌ی ناب عرفان شیعی می‌گشاید که امروزه به ویژه در تحلیل و بررسی دعا‌های اهل بیت(علیهم‌السلام) شاید کمتر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به مطالعه و بررسی محتوای آموزه‌های والا و انسان‌ساز این دعاها، ذکر دعاها روشنایی بخش دل‌ها می‌شود. در مجموع چهار یا پنج دعا از امام رضا(علیه‌السلام) در این باره نقل شده است که به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. دعا در قنوت نماز جمعه:

روی ابن مقاتل قال: قال أبو الحسن الرضا(علیه‌السلام) أيّ شیء تقولون فی قنوت صلاه الجمعة؟ قال قلت: ما تقول الناس، قال: لا تقل كما يقولون و لكن

قل: اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبياءك و رسلك و حفه بملائكتك، و أئده بروح القدس من عندك، و اسلكه من بين يديه و من خلفه/ رصداً يحفظونه من كل سوء، و أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً، و لا تجعل لأحدٍ من خلقك على وليك سلطاناً، و ائذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره إنك على كل شيء قدير.^۱

ترجمه‌ی این دعا از این قرار است: امام رضا (علیه السلام) از ابن مقاتل پرسیدند که در قنوت نماز جمعه چه دعایی می‌خوانی؟ او در پاسخ عرض کرد: از همان دعاهایی که مردم عادی می‌خوانند. امام فرمودند، آن گونه که توده‌ی مردم دعا می‌کنند، دعا نکن؛ بلکه (این گونه) بگو: بارالها! بنده و جانشین خودت را با آنچه که پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی اصلاح بنما و او را در پوشش فرشتگانت قرار بده و او را با روح القدس از نزد خودت تأیید بنما و از پیش و پس وی (ملائکه) رصدگرانی را نظم ببخش (قرار بده) تا او را از هر زشتی و بدی نگه دارند و در پس ترس او امنیتی قرار بده که او تو را بندگی می‌کند و هیچ موجودی برای تو شریک قرار نمی‌دهد و برای هیچ کسی نسبت به او سلطه و حکومتی قرار نده و برای جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش به او اذن بده و مرا نیز از یاران حضرتش قرار ده، (چرا که) تو همواره بر هر چیزی توانمندی.

۱. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق،

٢. دعای امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف):

روى يونس بن عبد الرحمن، أن (عن) الرضا (عليه السلام) أنه كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر بهذا: اللهم ارفع عن وليك و خليفتك و حجّتك على خلقك و لسانك المعبر عنك الناطق بحكمك، و عينك الناظره بإذنك، و شاهدك على عبادك، الجحججاج المجاهد العائد بك العابد عندك، و أعذه من شرّ جميع ما خلقت و برأت و أنشأت و صورّت، و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته بحفظك الذى لا يضيع من حفظته به و احفظ فيه رسولك و آباءه أئمتك و دعائم دينك، و اجعله فى وديعتك التى لا تضيع، و فى جوارك الذى لا يخفى، و فى منعك و عزك الذى لا يقهر، و آمنه بأمانك الوثيق الذى لا يخذل من آمته به، و اجعله فى كنفك الذى لا يرام من كان فيه، و انصره بنصرك العزيز، و أيده بجندك الغالب، و قوه بقوتك، و أردفه بملائكتك، و وال من والاه و عاد من عاداه، و ألبسه درعك الحصينه، و حفه بالملائكة حفاً. اللهم اشعب به الصدع، و ارتق به الفتق و أمّت به الجور، و أظهر به العدل، و زين بطول بقائه الأرض، و أيده بالنصر و انصره بالرعب، و قو ناصريه، و اخذل خاذليه، و دمدم من نصب له، و دمر من غشه، و اقتل به جبابره الكفر و عمدته و دعائمه، و اقصم به رؤوس الضلاله، و شارعه البدع، و مميته السنه، و مقوية الباطل، و ذلل به الجبارين، و أبر به الكافرين و جميع الملحدين فى مشارق الأرض و مغاريها، و برها و بحرها و سهلها و جبلها، حتى لاتدع منهم دياراً، و لاتبقى لهم آثاراً. اللهم طهر منهم بلادك، و اشفر منهم عبادك، و أعزّ به المؤمنين، و أحي به سنن المرسلين، و دارس حكم النبيين، و جدّد به ما امتحى من دينك، و بدل

من حکمک، حتی تعید دینک بہ و علی یدیه جدیداً غضاً صحیحاً، لا عوج
 فیہ و لا بدعہ معہ، و حتی تنیر بعدلہ ظلم الجور، و تطفئ بہ نیران الکفر، و
 توضح بہ معاقد الحق و مجهول العدل، فإنہ عبدک الذی استخلصتہ لنفسک،
 و اصطفیتہ علی غیبک، و عصمتہ من الذنوب، و برأتہ من العیوب، و طہرتہ
 من الرجس، و سلّمته من الدنس. اللّٰہم فإنا نشہد لہ یوم القیامہ و یوم طول
 الطامۃ آنہ لم یذنب ذنباً و لا أتى حوباً و لم یرتکب معصیہ، و لم یضیع لک
 طاعہ و لم یہتک لک حرمة، و لم یبدل لک فریضہ، و لم یغیر لک شریعہ، و آنہ
 الہادی المہتدی الطاہر التقیّ النقیّ الرضیّ الزکیّ. اللّٰہم أعطہ فی نفسہ و أهلہ
 و ولدہ و ذریتہ و أمتہ و جمیع رعیتہ ما تقر بہ عینہ و تسر بہ نفسہ، و تجمع
 لہ ملک الملل^۱ کلّہا قریبہا و بعیدہا و عزیزہا و ذلیلہا، حتی تجری حکمہ
 علی کل حکم، و تغلب بحقہ کل باطل. اللّٰہم اسلک بنا علی یدیه منہاج
 الہدی و المحجّہ العظمی، و الطریقہ الوسطی، الّتی یرجع إلیہا الغالی و یلحق
 بہا التالی، و قوّننا علی طاعتہ، و ثبتنا علی مشایعتہ، و امننّ علینا بمتابعتہ، و
 اجعلنا فی حزبه القوّامین بأمرہ، الصابرين معہ، الطالبین رضاک بمناصحتہ،
 حتی تحشرنا یوم القیامہ فی أنصارہ و أعوانہ و مقویہ سلطانہ. اللّٰہم و اجعل
 ذلک لنا خالصاً من کلّ شکّ و شبہہ و ریاء و سمعہ، حتی لانعتمد بہ غیرک،
 و لانطلب بہ إلا وجهک، و حتی تحلّنا محلہ، و تجعلنا فی الجنہ معہ، و
 أعذنا من السأمة و الکسل و الفترہ، و اجعلنا ممّن تنتصر بہ لدینک و تعزّ بہ

۱. در نسخہ ی بحار الأنوار و سایر منابع ادعیہ بہ جای الملل، «المملکات» و «الممالک» نقل شدہ
 است: محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، موسسہ الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۹۲، ص ۳۳۲؛ ج ۹۹،

نصر ولیک، و لاتستبدل بنا غیرنا، فإن استبدالك بنا غیرنا علیک یسیر و هو
 علینا کثیر. اللهم صل علی ولاء عهدہ و الأئمة من بعده و بلغهم آمالهم و زد
 فی آجالهم و أعز نصرهم و تمم لهم ما أسندت إلیهم من أمرک لهم و ثبت
 دعائهم و اجعلنا لهم أعواناً و علی دینک أنصاراً، فإنهم معادن کلماتک و
 خزان علمک و أركان توحیدک و دعائم دینک و ولاء أمرک و خالصتک من
 عبادک و صفوتک من خلقک و أولیائک و سلائل أولیائک و صفوه اولاد
 نبیک و السلام علیہ و علیهم و رحمہ الله و برکاته.^۱

۱. مصباح المتہجد، ص ۴۱۰. البتہ عبارات نقل شده پس از «و هو علینا کبیر» توسط نویسنده‌ی
 محترم معجم احادیث المہدی (علیہ السلام) نقل نشده است. رک به: علی کورانی، معجم احادیث
 المہدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، موسسه المعارف الإسلامیہ، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۷۳. علاوه
 بر این، عبارات سید بن طاوس (عبارات پس از عبارت و هو علینا کبیر) که با سند خود از جد
 بزرگش شیخ طوسی نقل کرده است، با عبارات خود شیخ در مصباح تفاوت دارد که از این قرار
 است: إنک علی کل شیء قدیر. اللهم و صل علی ولاء عهدہ و بلغهم آمالهم و زد فی آجالهم و
 انصرهم و تمم لهم ما أسندت إلیهم من أمر دینک و اجعلنا لهم أعواناً و علی دینک أنصاراً و صل
 علی آبائہ الطاہرین الأئمة الراشدين. اللهم فإنهم معادن کلماتک و خزان علمک و ولاء أمرک و
 خالصتک من عبادک و خیرتک من خلقک و أولیائک و سلائل أولیائک و صفوتک و اولاد
 أصفیائک صلواتک و رحمتک و برکاتک علیهم أجمعین. اللهم و شرکاؤه فی أمرہ و معاونوه علی
 طاعتک الذین جعلتهم حصنه و سلاحه و مفرعه و أنسه الذین سلوا عن الأهل و الأولاد و تجافوا
 الوطن و عطلوا الوثیر من المهاد قد رفضوا تجارتهم و أضروا بمعایشهم و فقدوا فی أندیتهم بغیر
 غیبہ عن مصرهم و خالفوا (در برخی نسخه‌ها خالفوا و حاللوا نیز آمده است که به نظر می‌رسد
 همان خالفوا صحیح باشد) البعید ممن عاضدهم علی أمرهم و خالفوا القریب ممن صد عن وجهتهم
 و ائتلفوا بعد التدابر و التقاطع فی دهرهم و قطعوا الأسباب المتصله بعاجل حطام من الدنیا، فاجعلهم
 اللهم فی حرزک و فی ظل کنفک و رد عنهم بأس من قصد إلیهم بالعداوه من خلقک و أجزل لهم
 من دعوتک من کفایتک و معونتک لهم و تأییدک و نصرک إیاهم ما تعینهم به علی طاعتک و

ترجمه‌ی دعا از این قرار است: یونس بن عبد الرمن که یکی از اصحاب سرّ و خواصّ حضرت رضا (علیه السلام) بود، از ایشان روایت کرده است که ایشان همواره شیعیان را به دعا برای حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این عبارات دستور می‌دادند: بارالها! (بدی‌ها و بلاها را) دفع کن از دوست و نماینده‌ی خود، جانشینت، تجلّی احتجاجت بر بندگان، زبان تعبیر کننده از تو که به حکم و حکمت تو گویاست، دیده‌ی بینای خودت و گواه خودت که با اذن تو نظاره‌گر و گواه (بر موجودات) است که سرور و بزرگترین سالار انسان‌ها، مجاهد در راه تو، و در پناه توست و تو را بندگی

أزهق بحقهم باطل من أراد إطفاء نورك و صلّ علی محمد و آله و املأ بهم كلّ أفق من الآفاق و قطر من الأقطار قسطاً و عدلاً و رحمه و فضلاً و اشكر لهم علی حسب كرمك و جودك و ما مننت به علی القائمین بالقسط من عبادك و أذخر لهم من ثوابك ما ترفع لهم به الدرجات إنك تفعل ما تشاء و تحکم ما تريد آمین رب العالمین.

علاوه بر زیادتی که در کلمات دعا وجود دارد، سید بن طاووس سند معتبر خود را نیز بر آن افزوده است که از این قرار است:

«حدثنی الجماعه الذین قدّمت ذکرهم فی عده مواضع من هذا الكتاب بإسنادهم إلی جدی أبی جعفر الطوسی تلقاه الله جل جلاله بالأمان و الرضوان يوم الحساب قال أخبرنا ابن أبی جید عن محمد بن الحسن بن سعید بن عبدالله و الحمیری و علی بن إبراهیم و محمد بن الحسن الصفار کلّهم عن إبراهیم بن هاشم عن إسماعیل بن مولد و صالح بن السندي عن یونس بن عبدالرحمن.

و رواه جدی أبو جعفر الطوسی فیما یرویه عن یونس بن عبدالرحمن بعده طرق ترکت ذکرها کراهیه للإطاله فی هذا المكان». رک به: سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، جمال الأسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا (افست از چاپ سنگی ۱۳۳۰ق)، ص ۵۰۶ تا ۵۱۱. این بدین معناست که دعا در واقع با سند کامل ذکر شده است و مرسل یا مرفوع نیست.

می‌کند، و او را از شرّ همه‌ی مخلوقات خودت نگه دار، و او را از همه‌ی جوانب از پیش و پس، راست و چپ، و بالا و پایین با حفظ ویژه‌ی خودت که حفظ شدگانش ضایع نمی‌شوند، محفوظش بدار و در زیر سایه‌ی آن فرستاده‌ات (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) و پدران صاحب الامر (علیه السلام)، یعنی ائمه (علیهم السلام) و ستون‌های دین خودت را نیز حفظ نما، او را قرار بده در ودیعه‌ی خودت که در آن ضایع نمی‌شود (همواره سالم می‌ماند)، در کنار خودت که هیچ‌گاه در آن جایگاه مورد تجاوز قرار نمی‌گیرد و در منع و عزت خودت که هیچ‌گاه مقهور نمی‌شود، و او را با امنیت مورد اطمینان خودت در آرامش قرار بده که در آن آرامش کسی که او را در چنین امنیت قرار داده باشی به دور از یاری تو نخواهد بود و او را در سایه‌ی حمایت خودت قرار ده که کسی در آن مورد اهانت و انحراف قرار نمی‌گیرد، و او را با یاری ارجمند خودت یاری بنما، با سپاه پیروزت تأیید کن، با نیروی خودت تقویت نما، با فرشتگانت هم ردیف گردان و دوستدارانش را دوست بدار و با دشمنانش دشمنی کن، به او زره شکست‌ناپذیرت را بپوشان و با فرشتگانت بپوشانش. بارالها! به دست او شکستگی‌ها و گسستگی‌های اسلام را اصلاح فرما، کار فرو بسته‌ی ما را بگشا، ستم را بمیران، عدالت را ظاهر گردان، به طول بقای وی زمین را زینت ببخش، با یاری الهی او را تأیید نما، با هیبت الهی یاریش کن، یارانش را تقویت کن و آنان را که از یاری وی اجتناب می‌کنند یاری نکن، خشم کن بر کسی که او را به زحمت می‌اندازد، هلاک کن آن کس را که به او خیانت کند و به دست همو سرکشان و ظالمان پرچم و لشکر کفر و ستون و

ارکانش را بکش و از میان بردار و سردسته‌های گمراهی، بدعت گذاران، کسانی که سنت‌های الهی را از میان می‌برند و تقویت کنندگان باطل را برکن و به دست او سرکشان را ذلیل گردان و به دست همو کافران و همه‌ی ملحدان سراسر این کره‌ی خاکی را هلاک گردان تا اثری از آنها باقی نماند. بارالها! شهرهایت را از آنها پاک گردان و بندگانت را از دست آنها راحت کن، به دست او مؤمنان را عزت ببخش، سنت‌های فرستادگانت و حکم از میان رفته‌ی پیامبرانت را احیا کن و به دست او آنچه را که از معارف دینت از بین رفته است تجدید کن، احکامت را تبدیل کن تا دین خودت را به وسیله‌ی او اعاده کنی و آن را به دست وی جدید، شاداب و صحیح گردانی به طوری که هیچ کژی و بدعتی در آن باقی نماند، تا این که با روشنایی عدالت او تاریکی‌های ظلم (حکومت‌ها) و ستم را روشن سازی و آتش کفر را فروکش سازی و گره‌های حق و ابعاد مجهول عدل را بگشایی، زیرا همو همان بنده‌ی توست که به خودت مخصوصش کردی، برای عالم‌های غیبی خویش برگزیدی، او را از گناهان دور نگه داشتی و از عیب‌ها بر کنارش کردی و از پلیدی‌ها پاکش کردی و از ناپاکی‌ها سالمش نمودی. بارالها! ما در روز قیامت و روز بزرگترین حادثه گواهی می‌دهیم که او هرگز گناهی مرتکب نشده، کار خلافی به جا نیاورده، نافرمانی تو را نکرده، طاعت تو را ضایع نکرده، حرمتی از حدود الهی را هتک نکرده، واجبی را تغییر نداده و قانونی از شریعت تو را دگرگون نساخته است؛ و اوست همان که رهبر و رهیافته‌ی پاک با تقوا، و خالص آراسته است. بارالها! به خود او و خاندان و فرزندان و نژاد و امتش و همه‌ی زیردستانش آن

تحفه‌ی الهی را ببخش که با آن چشم وی روشن نمایی و دلش را شاد گردانی، برایش تسلط بر همه‌ی کشورها را فراهم آوری تا حکم و حکومتش را بر همه‌ی حکم‌ها جاری و مسلط نمایی و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی، بارالها! ما را با دو دست مبارک وی به راه روشن هدایت و راه راست والا و طریق عدالت و درستی رهنمون باش، به همان راهی که پیش افتادگان تندرو به آن بازگردند و عقب مانده‌ها به آن می‌رسند، ما را بر اطاعت از او نیرو بده و در پیروی از او پایدارمان گردان، به ما منت متابعت از او عنایت فرما و ما را در حزب او قرار ده که دستوراتش را بر پا دارند و با او شکیبیا باشند و با خیرخواهی او رضایت تو را بجویند، تا این که ما را در روز رستاخیز در زمره‌ی یاران و مددکاران او و نیروبخش سلطنتش محشور کنی. بارالها! این عقیده را برای ما از هر تردید و شبهه‌ای و هر گونه خودنمایی و شهرت طلبی خالص گردان، تا از طریق آن به جز تو بر کسی اعتماد نکنیم و رضایت کسی غیر از تو را نجوئیم، تا این که ما را در بهشت به جایگاه او برسانی و با او همراه گردانی، ما را از خستگی و سستی و بی‌میلی نجات ده و ما را یار و یاور خودت برای یاری دین خویش قرار ده و برای پیروزی و یاری او عزیز گردان، ما را به گروهی غیر از ما تبدیل نگردان که این تبدیل برای تو آسان و بر ما گران است. بارالها! درود بفرست بر والیان عهد او و امامان پس از وی و به آرزوهایشان نایل گردان، بر عمرشان بیفزای، یاری باشوکت بر ایشان عطا کن و به پایان برسان آنچه را که به آنها مستند کردی، ستون‌های آنها را ثابت و پابرجا بدار و ما را برای آنها یار و برای دین

خودت یاورانی قرار ده؛ آن‌ها معدن‌های کلمات تو، گنجینه‌ی دانش تو، اساس توحید تو، ستون‌های دین تو، والیان امر تو، بندگان خالص و برگزیده‌ی تو، برگزیدگان از مخلوقات تو، دوستان و فرزندان دوستان تو و برگزیده‌ی فرزندان پیغمبر تو هستند که سلام تو و رحمت و برکات تو بر او و بر همه‌ی ایشان باد.

۳. دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

این دعا در اصل تتمه‌ای از امام رضا (علیه السلام) بر دعای امام صادق (علیه السلام) است که راوی آن را بر ایشان نقل کرده و ایشان نیز این تتمه را بر آن افزوده‌اند. اصل دعای امام صادق نیز چنین است:

«روی عن الصادق علیه السلام أنه قال من دهمه أمر من سلطان أو من عدو حاسد فليصم يوم الأربعاء و الخميس و الجمعة و ليدع عشيه الجمعة ليله السبت و ليقل في دعائه أي رباه أي سيّده أي سنداه أي أملاه أي رجاياه أي عماده أي كهفاه أي حصناه أي حرزاه أي فخراه، بك أمنت و لك أسلمت و عليك توكلت و بابك قرعت و بفنائك نزلت و بحبلك اعتصمت و بك استغثت و بك أعوذ و بك ألوذ و عليك أتوكل و إليك ألتجأ و أعتصم و بك أستجير في جميع أموري و أنت غياثي و عمادي و أنت عصمتي و رجائي و أنت الله ربّي لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك عملت سوءاً و ظلمت نفسي فصلّ على محمد و آل محمد و اغفر لي و ارحمني و خذ بيدى و أنقذني و قني و اكفني و اكلائني و ارعني في ليلي و نهاري و إمسائي و إصباحي و مقامي و سفري يا أجود الأجودين و يا أكرم الأكرمين و يا أعدل الفاصلين و يا إله الأولين و الآخرين و يا مالك يوم الدين و يا

أرحم الراحمين يا حيّ يا قيّوم يا حيّ لا يموت يا حيّ لا إله إلا أنت بمحمّد
يا الله بعليّ يا الله بفاطمه يا الله بالحسن يا الله بالحسين يا الله بعليّ يا الله
بمحمد يا الله صلوات الله عليه و عليهم أجمعين. قال الحسن بن محبوب
فعرضته على أبي الحسن الرضا عليه السلام فزادني فيه:

بجعفر يا الله، بموسى يا الله، بعليّ يا الله، بمحمّد يا الله، بعليّ يا الله، بالحسن يا
الله، بحجّتك خليفتك في بلادك يا الله، صلّ على محمد و آل محمد، و خذ
بناصيه من أخافه و تسمّيه باسمه و ذلّل لي صعبه، و سهّل لي قياده، و ردّ
عني نافرته قلبه، و ارزقني خيره و اصرف عني شرّه، فإنّي بك اللهم أعود و
ألوذ و بك أثق و عليك أعتد و أتوكّل فصلّ على محمد و آل محمد، و
اصرفه عني فإنك غياث المستغيثين و جار المستجيرين، و لجأ اللاجئين و
أرحم الراحمين.^۱

ترجمه‌ی دعا از این قرار است: ای پروردگار من، ای آقای من، ای تکیه گاه
من، ای آرزوی من، ای امید من، ای پشتوانه‌ی من، ای پناه من، ای دژ
مستحکم من، ای جایگاه محکم من و ای افتخار من! به تو ایمان آورده‌ام، به
تو اسلام آورده‌ام، بر تو توکل کرده‌ام، در تو را کوبیده‌ام، در پیشگاه تو
فرود آمده‌ام، به ریسمان تو چسبیده‌ام، به تو استغاثه کرده‌ام، به تو پناه
می‌آورم، به تو پناهنده می‌شوم، بر تو توکل می‌کنم، دست به دامن تو
می‌شوم و دامن تو را می‌گیرم و در همه‌ی کارهایم از تو یاری می‌جویم که
تو دادرس من و پشتوانه‌ی من هستی و تو نگه‌دار و امید من هستی، تو

۱. ابوجعفر طوسی، مصباح‌المتهجّد، ص ۴۲۳ و بعد.

خدایی هستی که پروردگار من است، هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد. تو را تنزیه و سپاس می‌گویم، کارهای زشتی انجام دادم و بر خودم ستم کردم، پس درود بفرست بر محمد و خاندان پاک او و مرا پیامرز و رحمتت را بر من نازل فرما، دستم را بگیر و نجاتم بده، نگاهم بدار و کفایت کن و مرا در شب و روزم، عصر و صبحم و در سفر و شهر خودم حفظ فرما ای سخی‌ترین سخاوتمندان و ای کریم‌ترین کریمان، ای عادل‌ترین جداکننده‌ها و ای معبود موجودات نخستین و پایانی، ای صاحب روز جزا و رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان، ای زنده و ای برپادارنده، ای زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، ای زنده‌ای که هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد؛ به حق محمد ای خدا، به حق علی ای خدا، به حق فاطمه ای خدا، به حق حسن ای خدا، به حق حسین ای خدا، به حق علی ای خدا، به حق محمد ای خدا. حسن بن محبوب روایت کرده است که این دعا را برای امام رضا (علیه السلام) نقل کردم و ایشان در ادامه‌ی آن این دعا را افزودند تا بخوانم:

به حق جعفر ای خدا، به حق موسی ای خدا، به حق علی ای خدا، به حق محمد ای خدا، به حق علی ای خدا، به حق حسن ای خدا، به حق حجت و جانشین خودت در همه‌ی شهرها ای خدا، درود بفرست بر محمد و خاندان مطهر او و موی پیشانی کسی را که او را بترساند و با اسمش او را بخواند برگیر (یعنی بر او چیره باش) و دشواری‌های او (یعنی دشمن حضرت حجت) را برای من نرم بگردان و مسلط شدن بر او را برای من آسان کن، نفرت قلبی او را از من بازگردان (یعنی مرا از شر نفرت او حفظ کن) و برای من نیکی او را روزی کن و شرش را از من بران، بارالها! همانا من فقط به

تو پناه می‌آورم و یاری می‌جویم، به تو اعتماد کرده و بر تو تکیه و توکل می‌کنم، پس بر محمد و خاندان پاک او درود بفرست و دشمنان حضرت حجت را از من دور ساز، چرا که فریادرسِ درماندگان، امنیت‌بخشِ آرامش‌جویان، پناه پناه‌جویان، و بخشنده‌ترین بخشندگان تویی.

۴. توسل به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

قال سيّد بن طاوس وجدنا من كتاب يونس بن بكير، قال: و سألت سيدي أن يعلمني دعاءً أدعو به عند الشدائد فقال لي يا يونس تحفظ ما أكتبه لك و ادع به في كلّ شيء تجاب و تعطى ما تتمناه ثم كتب لي: بسم الله الرحمن الرحيم اللهم إنّ ذنوبي و كثرتها قد أخلقت وجهي عندك و حجبتني عن استيغال رحمتك و باعدتني عن استيجاب مغفرتك و لولا تعلقي باللائك و تمسكي بالدعاء و ما وعدت أمثالي من المسرفين و أشباهي من الخاطئين و أوعدت القانطين من رحمتك بقولك «يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إنّ الله يغفر الذنوب جميعاً إنّهُ هو الغفور الرحيم»^۱ و حدّرت القانطين من رحمتك فقلت «و من يقنط من رحمة ربّه إلّا الضالون»^۲ ثم ندبتنا برأفتك إلى دعائك فقلت «ادعوني أستجب لكم إنّ الذين يستكبرون عن عبادتي سيّدخلون جهنم داخرين»^۳ إلهي لقد كان ذلك الإياس عليّ مشتملاً و القنوط من رحمتك ملتحقاً، إلهي لقد وعدت المحسن ظنه بك ثواباً و أوعدت المسيء ظنه بك عقاباً، اللهم و قد أمسك رمقي

۱. زمز/۵۳.

۲. حجر/۵۶.

۳. غافر/۶۰.

حسن الظنّ بک فی عتق رقبتی من النار و تغمد زلتی و إقاله عثرتی، اللّٰهم قلت فی کتابک و قولک الحقّ الذی لا خلف له و لا تبديل «یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَناسٍ بِإِمامِهِمْ»^۱ و ذلك یوم النشور «فَإِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ»^۲ و «بُعِثَرَ ما فِی القُبُورِ»^۳ اللّٰهم فإِنّی أوفی و أشهد و أقرّ و لا أنکر و لأجحد و أسرّ و أعلن و أظهر و أبطن بأنک أنت الله لا إله إلا أنت وحدک لا شریک لک و أن محمّدا عبدک و رسولک صلّی الله علیه و أن علیاً امیر المؤمنین سیّد الأوصیاء و وارث علم الأنبیاء علم الدین و مبیر المشرکین و ممیز المنافقین و مجاهد المارقین و إمامی و حجتی و عروتی و صراطی و دلیلی و حجتی و من لا أثق بأعمالی و لو زکت و لا أراها منجیه لی و لو صلحت إلا بولایتہ و الإیتمام به و الإقرار بفضائله و القبول من حملتها و التسلیم لرواتها و أقرّ بأوصیائه من أبنائہ أئمہ و حججنا و أدله و سرجاً و أعلاماً و مناراً و سادہ و أبراراً و أومن بسرّهم و جهرهم و ظاهرهم و باطنهم و شاهدہم و غائبہم و حیّهم و میّتهم لا شکّ فی ذلك و لا ارتیاب عند تحوّلک و لا انقلاب، اللّٰهم فادعنی یوم حشری و نشری بإمامتہم و أنقذنی بہم یا مولای من حرّ النیران و إن لم ترزقنی روح الجنان فإنک إن أعتقتنی من النار کنت من الفائزین، اللّٰهم و قد أصبحت یومی هذا لا ثقہ لی و لا رجاء و لا ملجأ و لا مفرع و لا منجی غیر من توسّلت بہم إلیک متقرباً إلی رسولک محمّد صلّی الله علیه و آلہ، ثمّ علی امیر المؤمنین و الزهراء سیّدہ نساء العالمین و الحسن و الحسین و علیّ

۱. إسرائ/۷۱.

۲. مؤمنون/۱۰۱.

۳. عادیات/۱۰۹.

و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و من بعدهم یقیم
 الحجّه إلى الحجّه المستوره من ولده المرجوّ للأمه من بعده، اللهم فاجعلهم
 فی هذا اليوم و ما بعده حصنی من المکاره و معقلی من المخاوف و نجّنی بهم
 من کلّ عدوّ و طاغ و باغ و فاسق و من شرّ ما أعرف و ما أنکر و ما استتر
 عنی و ما أبصر و من شرّ کلّ دابّه ربّی آخذ بناصیتها، إنک علی صراط
 مستقیم، اللهم بتوسّلی بهم إلیک و تقرّبی بمحبّتهم و تحصّنی بإمامتهم افتح
 علیّ فی هذا اليوم أبواب رزقک و انشر علی رحمتک و حبّینی إلى خلقک
 و جنّینی بغضهم و عداوتهم، إنک علی کلّ شیءٍ قدير.^۱

ترجمه‌ی دعا این گونه است: یونس بن بکیر گوید: از حضرت رضا
 (علیه السلام) خواستم دعایی به من تعلیم دهد که در سختی‌ها و شداید آن را
 بخوانم و ایشان به من فرمود: ای یونس آنچه برایت می نویسم حفظ کن و
 در هنگام سختی و مشکلات آن را بخوان، و هر چه خواستی خداوند به تو
 عطا می‌کند. سپس امام رضا (علیه السلام) نوشت: خداوندا! گناهان من و
 بسیاری آن‌ها روی مرا در پیشگاه تو به غبار خود پوشانده و مرا از اهلیت
 رحمتت در پوشانده و از طلب عملی شدن آمرزش تو دور ساخته است،
 اگر نبود که به نعمت‌های تو آویخته‌ام و به امیدواری به تو چنگ زده‌ام، به
 این خاطر که امثال من از اسراف کاران و اشباه من از خطاکاران را به این
 فرمایش خود وعده فرموده‌ای: «ای بندگان من که بر خود اسراف روا

۱. سیدرضی الدین علی بن طاووس، مهج الدعوات، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ هجری، ص ۲۵۲ به

بعد؛ علی بن طیفور بسطام، منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح، تهران، حکمت، ج ۶، ۱۳۸۴،

داشته‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، همانا خداوند تمام گناهان را می‌آمرزد، همانا که او آمرزنده و مهربان است.» و ناامیدان از رحمت خود را حذر داده‌ای و فرموده‌ای: «و چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود جز گمراهان؟» سپس از روی رحمت خود ما را به سوی دعای خویش فرا خوانده و فرموده‌ای: «مرا بخوانید تا دعای شما را استجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زودی با حالت خواری و زبونی داخل دوزخ می‌شوند.»، خدای من! هر آینه ذلت این یأس مرا فرا می‌گرفت و نومیدی از رحمتت مرا در می‌پوشاند. خدای من! همانا تو به کسی که حسن ظن به تو دارد نوید پاداش داده‌ای و به کسی که سوء ظن به تو دارد وعده‌ی کیفر داده‌ای، خداوندا! حسن ظن من به تو در این که از آتش دوزخ رهایم سازی و خطاهایم را (به آمرزش خود) بیوشانی و از لغزش‌هایم درگذری، اشکم را جاری ساخته (تا شاید بدین سبب به این موارد دست یابم.) و تو فرموده‌ای و البته سخن تو حق است که خلف و تبدیلی در آن نیست: «(به یاد آور) روزی را که هر دسته از مردم را به نام امامشان فراخوانیم.» و آن همان روز برانگیختن مردم از قبرهاست؛ پس زمانی خواهد بود که در صور دمیده شود و هر آن کس که در قبر باشد برخیزد. خداوندا! من اقرار می‌کنم و گواهی می‌دهم و اعتراف می‌دارم و انکار ندارم و در پنهان و آشکار و ظاهر و باطن گواهم که تویی آن خداوندی که معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای و شریکی نداری و این که محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده‌ی توست و همانا علی(علیه السلام) که امیر مؤمنان و سید اوصیا و وارث علم پیامبران و کشنده‌ی

مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهادکننده با عهدشکنان و ستمگران و از دین بیرون روندگان است، امام و حجت و راه و رهنما و جاده‌ی پهناور من (به سوی تو) است و کسی است که جز با ولایت او و پیروی از او و اقرار به فضایل او و پذیرش آن‌ها از حاملان ولایت او و تسلیم در برابر راویان آن‌ها به هیچ یک از اعمال (هرچند صالح باشد) اطمینان ندارم (آن‌ها را هرچند صالح و درست بوده باشد نجات بخش نمی‌بینم) به جز این که از ولایت و امامت آن‌ها پیروی کرده باشم. خداوندا! به اوصیای از فرزندان او که همه پیشوایان و حجت‌ها و رهنمایان و چراغ‌ها و نشانه‌ها و مناره‌ها و سروران نیکو کردارند اقرار می‌کنم و به نهان و آشکار و ظاهر و باطن و زنده و مرده و حاضر و غایب آنان ابراز دین‌داری می‌نمایم، که شک و دودلی در آن نیست و دگرگونی و بازگشتی در آن وجود ندارد. خداوندا! مرا در روز حشر و هنگام نشرم به امامت آنان فراخوان و در دسته و گروه ایشان محشورم گردان و نامم را در زمره‌ی اصحابشان بنویس، ای مولای من به حق ایشان مرا از گرمای آتش دوزخ رهایی بخش که اگر مرا از آتش دوزخ معاف بداری از رستگاران خواهم بود. خداوندا! من امروز صبح کردم در حالی که هیچ پشتیبان و پناهگاه و ملجایی ندارم جز کسانی که به آنان متوسل شده‌ام از آل رسالت علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد که درود تو بر تمامی آنان باد. خداوندا آنان را دژ من از ناخوشایندی‌ها و پناهگاهم از چیزهای هراسناک قرار ده و مرا به حق آنان از هر دشمن سرکش و هر فاسق ستمکار و از شر آنچه که می‌شناسم یا نمی‌شناسم و از شر آنچه که

بر من پوشیدہ است و آنچه کہ می بینم، و از شر ہر جنبندہ ای کہ اختیارش بہ دست پروردگار من است، نجات بخش کہ ہمانا پروردگارم بر راہ راست است. خداوند! بہ ہمین کہ من آنان را وسیلہی خود بہ سوی تو قرار دادہ و با دوستی ایشان خود را بہ تو نزدیک ساختم، درہای رحمت و آمرزش خود را بر من بگشا و مرا نزد آفریدگانت محبوب گردان، و دشمنی و کینہی آنان را از من دور دار، کہ تو بر ہر چیزی توانایی.

این دعاہا تقریباً ہمہی بیانات امام ہشتم (علیہ السلام) است کہ در جاہای مختلف بہ اصحاب و شیعیان خود آموزش دادہ و توصیه کردہ است کہ بہ جای دعاہای دیگر، این دعاہا را در حق آن یار غایب از نظر زمزمہ و ترنم کنند. نکات مطرح شدہ در این دعاہا فراوان است و پرداختن بہ ہمہی ابعاد آن از حوصلہی یک نوشتہی مختصر خارج است؛ اما بررسی و تحلیل فلسفی و عرفانی برخی از نکات مهم آنہا برای بازشناسی و معرفی دقیق تر امام عصر (ارواحنا فداه) بہ جهانیان، آن ہم از زبان کسی کہ خودش ہم ردیف و بلکہ عین آن امام ہمام است،^۱ راہ گشا خواهد بود. از این رو، اساس

۱. میان امامان بزرگوار شیعه (علیہم السلام) از لحاظ وجود و تعینی دو رابطہ و دو جنبہ وجود دارد: جنبہی وحدت (یگانگی حقیقت) و جنبہی کثرت (تعدد مصادیق)؛ و این مسألہ در روایات معتبر نیز وارد شدہ است. بہ عنوان مثال جنبہی وحدت در روایت معروف امام زین العابدین (علیہ السلام) دربارہی جریان پاسخ گویی امام باقر (علیہ السلام) بہ سؤالات مراجعہ کنندگان پدر بزرگوارشان این چنین آمدہ است: «لا تعجبوا من قدرہ اللہ انا محمد و محمد انا و کلنا من نور واحد و روحنا من امر اللہ، اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا محمد و کلنا محمد» (: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶). همچنین پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) دربارہی اتحاد حقیقت ولایت علی بن ابی طالب (علیہ السلام) با حقیقت نبوی (حقیقت محمدیہ و احمدیہ) فرمودند:

بررسی‌های نوشته‌ی حاضر بر اصول و مبانی عرفانی مبتنی است و در آن
فضا قابل فهم و بیان است.

مجموع مسایل پر اهمیتی که در این دعاها مطرح شده است، در عنوان‌های
کلی زیر قابل جمع‌بندی و بررسی است:

الف. مقدمه‌ای درباره‌ی ابعاد دعای امام معصوم (علیه السلام)

ب. ویژگی‌های وجودی امام عصر (ارواحنا فداه)

ج. صفات مربوط به امامت و ولایت حضرت حجت (علیه السلام)

د. امام زمان (ارواحنا فداه) در عصر غیبت

ه. عصر ظهور.

در ذیل هر یک از عناوین مزبور، مطالب ویژه‌ای مندرج است که به ترتیب
مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد معارفی که امام رضا (علیه السلام) در قالب
دعا بیان فرموده است، روشن شود.

«خلقت أنا و علی بن ابی طالب من نور واحد» (: همان، ج ۱۵، ص ۱۱؛ شیخ صدوق، علل الشرایع،
قم، دآوری، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۳۴).

و جنبه‌ی کثرت نیز در این نکته نهفته است که هر یک از ائمه (علیهم السلام) علی رغم یکی بودن
حقیقتشان، بنا به اقتضای احکام جهان مادی در یک بازه‌ی زمانی و مکانی مجزاً و با خصوصیات
فردی مشخص به خود در بین مردم ظاهر شده‌اند؛ و الا اگر یکی از آنان اراده می‌کرد که به شکل
و چهره امامی دیگر درآید، در یک چشم به هم زدن چنین می‌کرد. همان گونه که در روایت مزبور،
اصل ماجرا بر این بوده است که عده‌ای از مردم به عنوان یافتن حقیقت به خدمت امام سجاد و باقر
(علیهما السلام) آمده بودند تا بپرسند: آیا شما می‌توانید به چهره دیگری درآید یا نه؟ که امام
چهارم (علیه السلام) در پاسخ به این پرسش، در آمدن هر یک از آن دو امام بزرگوار به چهره
دیگری در یک لحظه را نشان داد، که ماجرایش به طور مفصل در منابع معتبر مزبور نقل شده
است.

فصل اول: ابعاد دعای معصوم

این که امام معصوم با چه ابعاد و جنبه‌هایی دعا را در دستور کار خود قرار داده و از این طریق به نشر معارف ولایی و الهی می‌پردازد، یکی از مهم‌ترین مسایل پژوهشی در ادعیه‌شناسی به شمار می‌رود؛ نکاتی اساسی در این زمینه وجود دارد که بدون توجه به آنها نمی‌توان به مضامین عالی، مکتب‌ساز و انسان‌ساز دعاهای امامان معصوم نظر انداخت. این نکات به قرار زیر است:

۱. استجابت دعای امام معصوم
۲. ابعاد تصرفی امام در کائنات با دعا
۳. ابعاد تربیتی
۴. ابعاد تعلیمی (بیان مضامین اعتقادی)

۱. استجابت دعای امام معصوم: استجابت دعای امام معصوم (علیه‌السلام) از جهات متعددی قابل بحث و بررسی است که در این مجال فقط توجه به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: یکی استجابت ذاتی دعاست؛ به این معنا که دعای امام (علیه‌السلام) حتماً مورد پذیرش درگاه خداوند قرار گرفته و مستجاب می‌شود و دیگری محتوای دعایی که قطعاً مستجاب است.

از لحاظ مبنا و اصول اعتقادی، دعای انسان کامل و خلیفه‌ی مطلق الهی^۱ در کائنات اعم از پیامبران الهی، اوصیای انبیا و اولیای الهی از مؤمنان در نزد خداوند مقبول و اجابت شده است و هر دعایی با هر مضمونی که به پیشگاه الهی عرضه بدارد، مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد. دلیل این مسأله علاوه بر ادله‌ی عقلی و عرفانی، شواهد روایی است که در آن خود ائمه‌ی بزرگوار (علیهم‌السلام) بر این نکته تأکید کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

- امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) با خدعه‌ی عمرو بن عاص و معاویه بالای منبر رفته و سخنرانی نموده بود که خود را در آن این گونه معرفی می‌کند: «برای آنان که مرا می‌شناسند، نیاز به معرفی من نیست، اما آنان که مرا نمی‌شناسند بدانند که من پسر علی بن ابی‌طالب و فرزند فاطمه‌ی پیغمبرم و جدّ بزرگوارم پیامبر رحمت است؛ من فرزند بشیر مُنذِرِم، من فرزند سراج منیرم، من فرزند همان کسی هستم که به عنوان رحمت خداوندی بر جهانیان مبعوث گشت، من فرزند کسی هستم که برای انس و جنّ مبعوث گشت...، من فرزند کسی هستم که دعاهایش مستجاب است و...»^۲

۱. خلیفه‌ی مطلق الهی در حقیقت جانشین همه‌کاره‌ی خداوند در میان مخلوقات است و هر آنچه که او اراده کند، اراده‌ی خدا خواهد بود؛ به این معنا که چنین جانشینی در واقع به غیر از خواست خداوند هیچ چیزی را اراده و طلب نمی‌کند. بنابراین، دعای وی مورد رضایت و مطلوب درگاه خداوند بوده و حتماً مستجاب خواهد شد.

۲. متن اصلی بیانات امام حسن (علیه‌السلام) چنین است: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَأَنَا الَّذِي يُعْرَفُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا وَ أُمِّي

- امام صادق (علیہ السلام) از پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) نقل می کند کہ من پنج دستہ از مردم را لعنت کردہ ام در حالی کہ دعای پیامبران نزد خدا مستجاب است.^۱

- در ذیل آیهی «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»^۲ از ابن عباس نقل شدہ است کہ معنای آن عبارت است از این کہ بترسید از دعا

فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ جَدِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ أَنَا ابْنُ النَّذِيرِ أَنَا ابْنُ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ أَنَا ابْنُ مَنْ بُعِثَ إِلَى الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ خُذْ بِنَا فِي نَعْتِ الرَّطْبِ أَرَادَ تَخْجِيلَهُ فَقَالَ الْحَسَنُ الرِّيحُ تَنْفَخُهُ وَ الْحَرُّ يُنْضِجُهُ وَ اللَّيْلُ يُبَرِّدُهُ وَ يُطَيِّبُهُ ثُمَّ أَقْبَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَرَجَعَ فِي كَلَامِهِ الْأَوَّلِ فَقَالَ أَنَا ابْنُ مُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ أَنَا ابْنُ الشَّفِيعِ الْمُطَاعِ أَنَا ابْنُ أَوَّلِ مَنْ يَنْفُضُ عَنِ الرَّأْسِ التُّرَابَ أَنَا ابْنُ مَنْ يَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ لَهُ أَنَا ابْنُ مَنْ قَاتَلَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ أَحْلَلَّ لَهُ الْمَغْنَمَ وَ نُصِرَ بِالرُّعْبِ مِنْ مَسِيرِهِ شَهْرًا: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۵۴؛ احمدین علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱.

^۱ یعنی نفرینم در حق آن ها ردخور ندارد. سپس آن پنج گروه را به این ترتیب ذکر کرده است: «الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ التَّارِكُ لِسُنَّتِي وَ الْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَحِيلُ مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ الْمُسْتَأْنِرُ بِالْفَيْءِ الْمُسْتَحِيلُ لَهُ»: محمدین یعقوب کلینی، الکافی، تهران دارالکتب الإسلامیہ، ج ۴، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۹۳. البتہ تعداد ملعونان در منابع اهل سنت ہفت عدد ہم نقل شدہ است: أبو القاسم سلیمان بن أحمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبہ العلوم و الحکم، ج ۲، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۴۳ (عمرو بن سعواء).

و نفرین پیامبر در هنگام عصبانیت از دست شما، زیرا دعای ایشان با دعای دیگران تفاوت دارد و مستجاب می‌شود.^۱

- همچنین در ذیل آیه‌ی مبارکه‌ی مَبَاهِلَه^۲ نقل شده است که نصارای نجران با مشاهده‌ی حضور پیامبر به همراه دختر گرامی و داماد و فرزندانش (امام حسن و حسین علیهما السلام) برای اثبات حَقَانِیَّتِ رسالت خویش، گفتند که هر کسی برای چنین کار مهمی به همراه خانواده‌اش حضور یابد، مسلماً راست می‌گوید و پیامبر است و چون دعا و نفرین هر پیامبری مستجاب است، نفرین او در حق ما نیز گِیرا خواهد بود و به همین دلیل اگر با او در بیفتیم حتماً گرفتار عذاب و مصیبت خواهیم گشت و چنین شد که آنان علی رِغْمِ مشاهده‌ی این واقعیت و پی بردن به حقیقت، از ماجرای مَبَاهِلَه منصرف شدند، اما باز هم به او ایمان نیاوردند.^۳

- در روایتی وارد است که همسر حضرت ایوب هنگام مبتلا گشتن او به بلاهای متعدّد به او عرض کرد که ای پیام‌آور الهی دعاهای شما پیامبران که

۱. احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۴۶۴.

۲. آل عمران/۶۱.

۳. برای اطلاع از جزئیات این ماجرا به منابع تاریخ و تفسیر مراجعه شود؛ عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق أسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، ج ۳، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۶۷ به بعد؛ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنزالدقایق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۱۱۶ به بعد.

مستجاب می‌شود، پس چرا دعا نمی‌کنی تا خدا این بلاها را از وجودت برطرف سازد؟ حضرت ایوب در پاسخ به او فرمود که همین بلاها از برکت دعاهای من است که بالاخره به مرحله‌ی استجابت عینی رسیده است؛ زیرا خداوند متعال هفتاد سال به ما نعمت بخشید و من همواره دعا می‌کردم که روزی برایم بلایی نازل کند تا صبرم در برابر بندگی او را نیز ملاحظه کنم و اکنون که او اجابت کرده است چرا باید دعا کنم آن چه را که سال‌ها طلب کرده‌ام برطرف سازد؟^۱

- روزی یکی از فرزندان زبیر که به امامت امام حسن مجتبی (علیه السلام) قایل بود در حضور ایشان بود و از مسیری می‌گذشتند که به چند درخت خشکیده‌ی خرما رسیده و در زیر آنها به استراحت پرداختند. زبیر به امام حسن (علیه السلام) گفت چه خوب می‌شد اگر این درختان تر و تازه بودند و ما از خرمای آنها استفاده و تناول می‌کردیم! در این هنگام امام حسن (علیه السلام) دست به دعا برداشت و زیر لب کلماتی را فرمود و ناگهان درخت خرما به درختی با خرماهای تازه تبدیل شد. زبیر به ایشان عرض کرد که این سحر و جادو است یا واقعیت؟ امام (علیه السلام) فرمود که وای بر تو! این سحر نیست بلکه حقیقت و واقعیت است؛ زیرا سنت الهی بر این امر استوار است که دعای هر فرزند پیغمبری مستجاب باشد.^۲

۱. حسن بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۲.

- در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد است که دعای فرزندان ذریه‌ی من تا زمانی که به گناهی آلوده نشده باشند مورد پذیرش و استجابت خداوند قرار می‌گیرد.^۱ با توجه به این روایت و سایر احادیث در این زمینه، روشن می‌شود که استجابت دعای سادات و نواده‌های عادی پیامبر اکرم غیر از ائمه (علیهم‌السلام) نیز با شرایط بندگی و دین‌داری امری حتمی است.

- همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود که هر پیامبری دعا‌های به اجابت رسیده‌ای دارد.^۲

و البته روشن است که امام معصوم و اولیای کامل خداوند به دلیل برخورداری از کمالات وجودی در مقامات مربوط به قُرب نوافل،^۳ و تجلی

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۸۱.

۲. محمد بن إسحاق بن یحیی بن منده، الإیمان، تحقیق علی بن محمد بن ناصر فقیهی، بیروت، موسسه الرساله، ج ۲، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۸۵۸.

۳. قُرب نوافل که اولین مقام از مراتب ولایت است (محمد بن حمزه فناری، مصباح الأنس فی شرح مفتاح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۴، ص ۶۴۳) و عرفا آن را از حدیث معروف «لا يزال عبدی يتقرب إلى بالنوافل مخلصاً لی حتی أحبّه فإذا أحبته كنت سمعه الذی یسمع به و...» (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۹۱) برگرفته‌اند، به این معناست که بنده‌ی سالک با پیمودن مراحل کمال و مقامات عرفانی به چنان وسعت وجودی دست می‌یابد که به برخی از نام‌های الهی زینت یافته و همه‌ی اقتضائات همان اسم را دریافت می‌نماید و در نتیجه، با اذن خداوند تصرفات وجودی آن اسم را به مرحله‌ی ظهور می‌رساند. عرفا این سیر و سلوک را سیر محبتی نامیده‌اند که از سوی بنده‌ی سالک تحقق می‌یابد. (سعیدالدین فرغانی، منتهی المدارک، تصحیح وسام الخطاوی، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۶، ص ۳۷)

نام‌های خدا مثل علم، حکمت، و عدل الهی در مقامات قرب فرایض،^۱ هیچ خواسته‌ای خارج از مشیت الهی به پیشگاه خداوند نمی‌برند که «ما تشاءون إلا أن يشاء الله رب العالمين».^۲ عارفان بزرگ شیعه مثل مرحوم امام خمینی (ره) نیز این مسأله را این گونه بیان کرده‌اند که انسان‌های کامل به دلیل دارا بودن مقاماتی مثل شهود ذاتی از حقایق الهی و سرّ قدر خداوند، دعایی بر خلاف مشیت الهی نمی‌کنند و همه‌ی دعا‌های ایشان با مقدرات الهی که بر اساس استعداد‌های موجودات است منطبق می‌باشد. از این رو، دعای چنین انسان‌هایی همیشه و در حق همه‌ی موجودات مستجاب است.^۳

۱. قرب فرایض نتیجه‌ی تجلی الهی در بنده‌ی خویش است که اهل معرفت آن را از مراتب متوسط مقامات ولایت می‌دانند و از احادیثی مثل حدیث «إِنَّ اللَّهَ قَالَ عَلَى لِسَانِ عَبْدِهِ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ» (صدرالدین محمد قونوی، إعجاز البيان في تفسير أم القرآن، تحقیق سیدجلال الدین آشتیانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۲) و «ما تقرّب إلى عبدی بشيء أفضل من أداء ما افترضت علیه» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸؛ ابوبکر بزّار بصری، المسند، تحقیق علی بن نایف الشحود، بی‌جا، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۶۰) برگرفته‌اند: (صدرالدین محمد قونوی، إعجاز البيان في تفسير أم القرآن، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). یعنی برخلاف قرب نوافل که بنده با سپری کردن مقامات معنوی خود را به قرب الهی رسانده و به برخی از اسمای الهی زینت می‌یابد، در قرب فرایض این خداست که خود را در ابعاد وجودی بنده‌ی خود می‌نمایاند و بنده در این جایگاه، لسان الله، ید الله یا قلب الله می‌گردد. عارفان برجسته‌ی اسلام این سلوک و ترقی را سیر محبوبی گویند که از ناحیه‌ی محبوب به جانب عاشق عنایت می‌شود. (سعیدالدین فرغانی، منتهی المدارک، ص ۳۷)

۲. تکویر/۲۹.

۳. سید روح الله خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهري، تصحیح حسین استاد ولی، تهران، انتشارات تربت، ۱۳۷۶، ص ۳۰۹. بحث‌های عرفانی این مسأله گسترده و فراوان است که در منابع عرفان نظری موجود می‌باشد و در این مجال فقط به صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفت.

حال، دعاهای امام معصومی مثل امام رضا(علیه السلام) برای همه‌ی انسان‌ها به‌ویژه در حق امام عصر(ارواحنا فداء) حتماً مستجاب است؛ اما همه‌ی مضمون دعاهای ائمه همیشه محتوای صرف دعایی نداشته است و در ضمن دعاهای خود به برخی از ابعاد دیگر مثل مسایل تربیتی و آداب تعلیمی نیز ارشاد داشته‌اند. بنابراین، توجه به چنین ابعادی هم دارای اهمیت است و استجابت درباره‌ی آن‌ها معنای دیگری خواهد داشت.

۲. ابعاد تصرفی امام در کائنات با دعا: چنان که روشن شد، امام دارای مقام استجابت دعاست و این مقام، بر اساس برخورداری بودن از جایگاه والای خلافت الهی در عرصه‌ی کائنات است. دعای امام رضا(علیه السلام) از این جهت تصرف در امور و ابعاد گوناگون هستی به شمار می‌رود که مبنای دعای ایشان همان مشیت الهی و آگاهی از سرّ قدر الهی می‌باشد. زیرا اقتضای مقام قرب فرایض و همچنین خلافت الهی، داشتن علم بر اقتضائات و شئونات همه‌ی موجودات عالم است؛ به این معنا که امام معصوم از علم ذاتی و جدایی‌ناپذیر بهره‌مند است و همواره هیچ امری از زوایای مخلوقات جز اسمای مستأثر خداوند^۱ بر او پوشیده نیست. براساس روایاتی که از ائمه‌ی هدی(علیهم السلام) در این زمینه نقل شده است، خداوند دارای دو نوع اسم می‌باشد: یکی نام‌هایی که به امامان معصوم تعلیم کرده است و دیگری

۱. اسماء مستأثره از جمله حقایقی است که در اصطلاح دینی فقط خداوند از آن‌ها و همه‌ی ابعاد

آن‌ها آگاه است: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۰.

نام‌هایی که فقط در نزد خود خداست و هیچ موجودی نسبت به آنها آگاهی ندارد که به این نوع اسماء، اسمای مستأثره می‌گویند.^۱ البته روشن است که تعلیم اسمای الهی توسط خود خداوند به ائمه (علیهم السلام) نه تعلیم لفظی و معنایی، بلکه تجلی اسمایی است، با این توضیح که خدا همه‌ی کمالات اسمایی قابل ظهور در عالم را در وجود این بزرگواران ریخته و همه‌ی اقتضائات و اثرات عینی آنها را نیز در وجود نازنینشان به ودیعه گذارده است. به طوری که آنان هر آنچه که اراده کنند همان می‌شود؛ زیرا اراده‌ی آنها اراده‌ی الهی و حکیمانه است، چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: همه‌ی هفتاد و دو اسم خداوند^۲ در نزد ما اهل بیت پیامبر هست و ما هر تصرفی که لازم باشد به سبب آنها در مجموعه‌ی خلقت انجام می‌دهیم.^۳

با توجه به این توضیح روشن می‌شود که به دلیل استجابت حتمی دعای امام معصوم (علیه السلام)، اگر دعایی^۴ در حق کسی انجام دهد، بدون شک به وسیله‌ی این دعا در وجود او و امور پیرامون او تصرف کرده است. مثلاً اگر امام رضا (علیه السلام) در حق امام عصر (ارواحنا فداه) از پیشگاه خدا چنین

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. براساس این دسته از روایات، خداوند دارای هفتاد و سه اسم است که یک اسم به عنوان اسم مستأثر در نزد خودش است و امورات غیبی و الوهی را با آن جاری می‌کند، و هفتاد و دو اسم دیگر در اختیار ائمه (علیهم السلام) است؛ همان، ج ۱، ص ۲۳۰؛ محمدبن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم، موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴. چه دعای مثبت و چه دعای منفی و نفرین.

می‌طلبد که «اللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَ رَسُلَكَ وَ حَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ اَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَ اسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصِداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ وَ اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطٰنًا وَ اِذْنٌ لَهٗ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَنْصَارِهِ»،^۱ مسلماً و بدون تردید امور مزبور (اصلاح امور حضرت حجّت، حفاظت به وسیله‌ی خیل عظیمی از ملائکه، تأیید با روح القدس الهی، عدم تسلط هیچ کس بر ایشان، داشتن اذن الهی برای جهاد با دشمنان خدا و از جمله‌ی یاران مهدی بودن امام رضا(علیه السلام) تحقق یافته و حتمی الوقوع خواهد بود. اگر با این رویکرد به این دعاها و سایر دعاهای صادر شده از ناحیه‌ی ائمه (علیهم السلام) بنگریم، مجموعه‌ای از معارف و مسایل بسیار مهم پیش رو خواهیم داشت که امامان معصوم(علیهم السلام) در قالب دعا از وقوع حتمی آنها و بلکه از تأثیر ایجادِ آنان در تحقق آنها خبر داده‌اند. بنابراین، آنان با دعا کردن بر چند و چون وقایع جهان تأثیر می‌گذارند.

۱. بارالها! بنده و جانشین خودت را با آنچه که پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی اصلاح بنما و او را در پوشش فرشتگانت قرار بده و او را با روح القدس از نزد خودت تأیید بنما و از پیش و پس وی (ملائکه) رصدگرانی را نظم ببخش (قرار بده) تا او را از هر زشتی و بدی نگه دارند و در پس ترس او امنیتی قرار بده که او تو را بندگی می‌کند و هیچ موجودی برای تو شریک قرار نمی‌دهد و برای هیچ کسی نسبت به او سلطه و حکومتی قرار ندهد و برای جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش به او اذن بده و مرا نیز از یاران حضرتش قرار ده.

از طرفی در نظر اهل معرفت، دعا نوع دیگری از تصرف در مخلوقات را به همراه دارد که تصرف الهی می‌باشد. با این توضیح که استجاب دعا از جانب خداوند نیز تصرف در عالم است و خدای متعال با اجابت کردن دعای امام معصوم و هر دعای دیگر از انسان‌های پاک‌سرشت، در واقع، بنا به مقتضا و محتوای درخواست بنده‌ی خود در وقایع جهان هستی به‌ویژه در امور پیرامون خود بندگان تصرف کرده و تغییراتی را ایجاد می‌کند.^۱ از این رو، دعای امام معصوم (علیه السلام) از این جهت نیز تصرف در هستی به شمار می‌رود.

۳. ابعاد تربیتی: یکی از ابعاد بسیار مهم و حایز اهمیت کلیدی درباره‌ی دعاها، ائمه (علیهم السلام)، بعد تربیتی آن است. البته بعد تربیتی دعا از جهات مختلفی قابل بررسی است که در این‌جا به جنبه‌ی آداب دعا می‌پردازیم. دعاها، اولیای الهی علاوه بر داشتن جهات معرفتی و ماورایی، از نقطه نظر توجه دادن شیعیان به آداب دعا و کیفیت ایجاد ارتباط با خدا از طریق این دریچه‌ی آسمانی، نکات مهمی را بازگو می‌کنند. از جمله این که الفاظ مناسب، ادب حضور، و ادب خطاب را به ما آموزش داده و می‌آموزد که با چه تعابیر و الفاظی با خدا سخن گفته و چه اصطلاحات و گزاره‌هایی اثرات دلخواه را به اجابت و مرحله‌ی ظهور می‌رساند. به عنوان نمونه اگر به پرسش امام رضا (علیه السلام) از راوی که «در قنوت نماز جمعه چه دعایی

۱. محیی‌الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه، بیروت، دار صادر (۴ جلدی)، ج ۱، ص ۱۸۲.

می خوانید؟» توجه کنیم، روشن می شود که ایشان در مقابل پاسخ راوی که گفته بود «آن چه که دیگران و عموم مردم می گویند.» فرمود: مثل گفته‌ی آنان نگویید، بلکه آنچه را که به شما آموزش می‌دهم، بخوانید که امام (علیه‌السلام) در این جریان فرآیند امام شناسی را در قالب دعا آموزش داده و به تربیت شیعیان عنایت نموده است.

همین محتوا و مبنا در سایر روایات نیز مطرح شده است که شیعیان باید آداب دعا و چگونه سخن گفتن با خدا را از زبان و بیان ائمه (علیهم‌السلام) فرا گرفته و با همان زبان و عبارات دعا کنند.^۱

در این رویکرد، نباید از هر اصطلاح و تعبیری که به نظر می‌رسد و حتی دلیل عقلی معتبر برای آن وجود دارد، برای مورد خطاب قرار دادن خدا و امام زمان استفاده کرد و اساساً به کار بستن هر تعبیری جایز نیست. به همین جهت است که اهل معرفت می‌گویند، نام‌های خدا و الفاظ دعاها که انسان و هر مسلمانی در به کار بردن آنها مجاز می‌باشد، توقیفی بوده و فقط از جانب شریعت الهی مشخص می‌شود.^۲ یعنی هر اسمی را برای هر منظور و مرادی نمی‌توان به کار برد و هر درخواستی در پیشگاه خدا روش و صورتی دارد که اگر غیر از آن باشد، جواب نمی‌دهد؛ زیرا هر اسمی از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹.

۲. صائن الدین علی بن محمد التکره، تمهید القواعد، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی و حواشی آقامحمدرضا قمش‌های و آقامیرزا محمود قمی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۱؛ امام خمینی (ره)، مصباح الهدایه إلى الخلافة و الولاية، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۳، ۱۳۷۶، ص ۴۰ و ۴۴.

نام‌های خداوند و هر صفتی از ویژگی‌های امامان معصوم دارای معانی، خاصیت و اسراری است که نباید در غیر آن به کار رود. به عنوان مثال، امام (علیه السلام) در دعای قنوت، دعا را با چه اسمی از اسمای الهی به پایان برده است (انک علی کل شیء قدیر)، دارای مفاهیم و اثراتی است که اگر اسم «علی کل شیء علیم» یا هر اسم دیگری را به کار می‌برد چنین اثری را در پی نداشت.

ائمه (علیهم السلام) در این نگرش، به ما می‌آموزند که چگونه و با چه آدابی به پیشگاه خداوند و امام معصوم که وسیله‌ها و مجراهای فیض و رحمت خدا بر بندگان هستند برویم و با چه زبانی با آنها به نجوا بنشینیم که نهایت ادب و بندگی را مراعات کرده و از همین رهگذر پاسخی در خور و شایسته دریافت نماییم. بنابراین، دعا‌های امامان معصوم (علیهم السلام) روش و محتوای صحیح برقرار کردن ارتباط با جهان برین را به ما آموخته و ما را برای زندگی مؤدبانه و معنوی تربیت می‌کند.

فلسفه‌ی این امر در این است که انسان‌های مؤمن در محتوا و روش برقراری ارتباط با خداوند به دام‌های شیطانی شرک و کفر مبتلا و گرفتار نگردند؛ زیرا اگر چه خداوند به دل‌ها می‌نگرد نه به زبان و الفاظ بندگان، اما حفظ حدود ظاهری و باطنی انسان در ایجاد ارتباط معنوی با جهان برین تأثیر و نقش اساسی ایفا می‌کند و نمی‌توان با هر کلیدی به سراغ هر در بسته‌ای رفت.

۴. ابعاد تعلیمی (بیان مضامین اعتقادی): علاوه بر جنبه‌ی تربیتی و ادب‌آموزی دعاهای امامان پاک و معصوم (علیهم السلام)، جنبه‌ی آموزشی آن نیز حایز اهمیت است و ایشان در قالب دعا به نشر و تبیین بسیاری از حقایق و معارف الهی و ولایی پرداخته‌اند که ساده گذشتن از کنار این معارف، زیان‌بارترین ضربه‌ها را به شیعیان و جهان اسلام زده و می‌زند. اگر در جهان امروز مشاهده می‌شود، غربیان با استناد به سخنان بی‌اساس گذشتگان خود چه کتاب‌سازی‌ها و علم‌پردازی‌ها که نمی‌کنند در حالی که گویندگان آن سخنان حتی سنخیتی با مسایل واقعی و حقایق الهی عالم نداشته و یا کمتر به ابعاد متافیزیکی و دینی توجه داشتند، در مقابل، مشاهده می‌شود که مسلمانان و به‌ویژه شیعیان چندان به محتوای دعاها و معارفی که از ناحیه‌ی امامان معصوم و در بسیاری از موارد قطعاً از جانب خدا صادر شده اهمیت نداده و هر مطلبی را که از زبان شرع می‌شنوند، به بوته‌ی غربت و گمان می‌سپارند.

با توجه نمودن به این جنبه از ابعاد معرفتی دعاهای ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) نکات مهمی مثل موارد زیر نمایان می‌شود:

الف. مجموعه‌ای از عقاید و گزاره‌های اساسی ناب در این دعاها ارائه شده است که معارف اصیل توحیدی را تبیین کرده و نحوه‌ی نگرش یک شیعه‌ی خالص نسبت به ذات خدا، مراتب اسماء و صفات او و مراتب افعال و خلقت را بیان نموده است. امام رضا نیز مثل سایر ائمه (علیهم السلام)، معلم بزرگ توحید است که مهم‌ترین درس‌های توحید را در طبق این دعاها ریخته است. علم، قدرت، عزت، قوت، نصرت، خلقت، و بسیاری دیگر از

اسماء و صفات الهی و نقش عینی آنها در فرآیند ظهور منجی نهایی را بیان کرده است.

ب. مجموعه‌ای از معارف الهی در باب امامت و ولی‌شناسی نیز در این دعاها مشاهده می‌شود که توجه به آنها ضروری می‌نماید. این که امام معصوم دارای چه ویژگی‌های شخصی و وجودی است، جایگاه او در هندسه‌ی خلقت چیست، چه اسم‌هایی دارد، چگونه تجلی توحید است، روند ظهور وی چگونه خواهد بود، اصحابش از چه صفاتی برخوردارند، و بسیاری دیگر از مسایل مربوط به امام‌شناسی مهدوی در این دعاها عرضه شده است.

ج. هر مطلبی که در این دعاها ذکر شده است، نه به عنوان جملات انشایی که به مثابه‌ی قضایای منطقی تلقی نمی‌شوند، بلکه به عنوان قضایایی منطقی و دارای معانی و مصادیق عینی هستند. مثلاً هنگامی که در ابتدای دعای دوم این گونه می‌خوانیم «اللهم اذفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک و لسانک المعبر عنک الناطق بحکمک و عینک الناظره باذنک»^۱ یعنی امام (علیه السلام) به شیعیان می‌آموزد که امام معصوم (به طریق نوافل و فرایض) زبان گویای حقایق الهی و سخن‌گوی احکام خداوند بر روی زمین است. بدین معنا که ما باید امام خود را این گونه بشناسیم و بدانیم و با

۱. بارالها! (بدی‌ها و بلاها را دفع کن) از دوست و نماینده‌ی خود، جانشینت، تجلی احتیاجت بر بندگان، زبان تعبیر کننده از تو که به حکم و حکمت تو گویاست، دیده‌ی بینای خودت و گواه خودت که با اذن تو نظاره‌گر و گواه (بر موجودات) است.

چنین عقیده‌ای او را مورد خطاب قرار داده و با چنین اوصاف و حقیقتی او را به پیشگاه خداوند شفیع گردانیم.

د. با توجه به این که به اجابت رسیدن دعای امام معصوم و اولیای الهی ضروری و حتمی است و با تأکید بر نکته‌ی حاضر (که محتوای این دعاها دارای ابعاد آموزشی است)، محتوای بخشی از این دعاها که درباره‌ی مسایل و مباحث آخرالزمان است حتمی الوقوع بوده و امام رضا(علیه السلام) از آنها خبر داده است. یعنی به شیعیان می‌آموزد که حوادث آینده مثل ریشه‌کن شدن کفار و ظالمان با چه کیفیت و ترتیبی به وقوع خواهد پیوست.

حال با تکیه بر این مقدمات باید ملاحظه کنیم که امام عصر(ارواحنا فداه) در عبارات و تعبیر امام رضا(علیه السلام) با چه ظرافت و لطافتی تصویر شده است تا او را به نگاه رضوی جسته و مشاهده نماییم، ان شاء الله.

فصل دوم: ویژگی های وجودی امام عصر (ارواحنا فداه)

روشن شد که ابعاد آموزشی دعاهاى امام رضا (علیه السلام) به گونه‌ای گسترده است که بسیاری از مسایل اساسی در زمینه‌ی اعتقادات را به شیعیان آموزش داده و فرهنگ استواری را در این فضا ترسیم و ایجاد می‌کند. اصول اساسی نگرش امام‌شناسی ایشان در دعاهاى امام رضا (علیه السلام) را می‌توان در مباحث زیر طبقه بندی و خلاصه کرد:

۱. ولیّ الله اعظم در مراتب توحید افعالی
۲. هم ردیف بودن امام عصر (ارواحنا فداه) با انبیا و ملائکه
۳. صفات ولایی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۴. سبب متصل بین آسمان الوهیت و زمین بشری.

۱. ولیّ الله اعظم در مراتب توحید افعالی:

در مقدمه‌ی این نوشتار به مراتب توحید افعالی اشاره کرده و قرب نوافل و قرب فرایض را به طور اجمالی توضیح دادیم؛ اما بررسی ابعاد این مسأله که در دعاهاى امام هشتم (علیه السلام) مطرح شده است، آن را به طور عینی و واضح روشن می‌کند. صفات توحیدی که برای حضرت مهدی برشمرده شده است به ترتیب زیر می‌باشد:

الف. قرب نوافل: بخشی از محتوای دعاها به مقامات توحید افعالی که از قرب نوافل نشأت گرفته‌اند مربوط می‌شود. مواردی که در این فضا مطرح شده است به ترتیب زیر می‌باشد:

«اللهم أصلح عبدك و خلیفتك بما أصلحت به أنبیاءك و رسلك و حُفَّه بملائكتك و آتیده بروح القدس من عندك»؛^۱ اصلاح امور امام زمان (ارواحنا فداها)، محفوف گردانیدن ایشان به حمایت ملائکه و تأیید آن حضرت با روح القدس از جمله مواردی است که در نتیجه و سایه سار تقرّب به خداوند از طریق قرب نوافل حاصل می‌شود.

«و اجعله فی ودیعتك التی لاتضیع و فی جوارك الذی لایخفر و فی منعك و عزك الذی لایقهر و آمنه بأمانك الوثیق الذی لایخذل من آمنته به و اجعله فی كنفك الذی لایرام من كان فیهِ و انصره بنصرک العزیز و آتیده بجنك الغالب و قوه بقوتك و أردفه بملائكتك و وال من والاه و عاد من عاداه و ألبسه درعك الحصینه و حُفَّه بالملائكه حفاً»؛^۲ قرار دادن

۱. بارالها! بنده و جانشین خودت را با آنچه که پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی اصلاح بنما و او را در پوشش فرشتگانت قرار بده و او را با روح القدسی از نزد خودت تأیید بنما.

۲. او را قرار بده در ودیعتی خودت که در آن ضایع نمی‌شود (همواره سالم می‌ماند)، در کنار خودت که هیچ‌گاه در آن جایگاه مورد تجاوز قرار نمی‌گیرد و در منع و عزت خودت که هیچ‌گاه مقهور نمی‌شود و او را با امنیت مورد اطمینان خودت در آرامش قرار بده که در آن آرامش کسی که او را در چنین امنیت قرار داده باشی به دور از یاری تو نخواهد بود، و او را در سایه‌ی حمایت خودت که کسی در آن مورد اهانت و انحراف قرار نمی‌گیرد، قرار بده و او را با یاری ارجمند خودت یاری بنما، با سپاه پیروزت تأیید کن، با نیروی خودت نفیبت نما، با فرشتگانت هم‌ردیفش

در زمره‌ی ودیعه‌های الهی، در جوار الهی، در منع و عزت الهی، در امنیت مورد وثوق الهی، در ساحت دست نیافتنی خدا آرام گرفتن، مورد یاری با عزت قرار گرفتن، تقویت با قوای الهی، هم‌ردیف فرشتگان آسمانی گشتن، تحت محافظت ملائکه گشتن، زره محکم و غیر قابل نفوذ خداوندی بر تن پوشیدن نیز در این فقرات از دعای امام رضا (علیه السلام) تحت عنوان قرب نوافل مندرج می‌شود.

با توجه به معنای قرب نوافل، در بخش‌هایی از دعا‌های امامان (علیهم السلام) که مضمون دعا چنین است که بار پروردگارا تو با بندگانت چنین باش یا چنین کاری را برای آنان بکن، امام (علیه السلام) در واقع در مقام قرب نوافل با خدا نیایش و نجوا می‌کند و در محضر او، اقتضائات و حقایق مربوط به قرب نوافل را برای آنان می‌طلبد. انسان عارف و کامل با حاصل شدن قرب نوافل و قرار گرفتن در جایگاه الهی که خداوند در همه‌ی ابعاد وجودی‌اش تنزل و تجلی می‌یابد، همه چیز را خدایی و بلکه در همه چیز خدا را قبل از هر چیزی می‌بیند. چنان که از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است: «ما رأیت شیئا إلا و قد رأیت الله قبله.»^۱ این مقام از توحید در انسان‌های

گردان و دوستدارنش را دوست بدار و با دشمنانش دشمنی کن، به او زره شکست‌ناپذیرت را ببوشان و با فرشتگان ببوشانش.

۱. عده‌ای این حدیث را به ابوبکر صدیق نسبت داده‌اند: کمال الدین دمیری، حیاة الحیوان الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج دوم، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۰۶، و عده‌ای دیگر آن را به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده‌اند: مولی هادی سبزواری، شرح نبراس الهدی فی أحكام الفقه و أسرارها، تصحیح محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۲۱ق، ص ۱۷۸.

کامل، امری حقیقی و شهودی است^۱ نه اعتقادی و حاصل از گفته های ظاهری شریعت و می توان آن را توحید صدیقین دانست (چنان که برخی از اهل معرفت نیز چنین تحلیل و بیانی را ارائه کرده اند)^۲ و حکمای اسلام مثل ابن سینا براهین وجودی و صدیقین خود را از این مقام و جایگاه که در قرآن انعکاس یافته است، الهام گرفته اند؛^۳ زیرا انسان های غیر کامل که بر اساس گفته های ظاهری و نگاه های ظاهرگرایانه به بررسی مسایل پیرامونی می پردازند، به گونه ی دیگری نگریسته و می گویند: «ما رأیت شیئاً إلا و رأیت الله معه» یا «ما رأیت شیئاً إلا و رأیت الله بعده».^۴ این نگرش کامل

۱. در نگرش اهل معرفت و شهود، انسان کامل که به قرب نوافل و فرایض توجه داشته و تحقق یافته است، با تکیه بر شناخت کامل ابعاد وجودی ذات خودش، همه ی وجود خود را وجود حقانی و خدایی می بیند، زیرا او موجود بالذات نیست بلکه متصل به ذات ازلی و ابدی الهی می باشد. از این رو شهود ابعاد وجودی خودش همان شهود همه ی اسما و صفات حق تعالی است و هیچ اثری از نفس و ذات انسانی و امکانی از آنها در میان نیست. (محبی الدین ابن العربی، الرسالة الوجودیه هی معنی قوله علیه السلام من عرف نفسه فقد عرف ربه، تصحیح عاصم ابراهیم الکیانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج دوم، ۲۰۰۷م، ص ۳۹)

۲. محبی الدین ابن عربی، التدبیرات الإلهیه فی إصلاح المملکه (این کتاب به همراه دو کتاب دیگر یعنی عقله المستوفی و إنشاء الدوائر توسط چاپخانه بریل شهر لیدن در سال ۱۳۳۶ق چاپ شده است)، ص ۱۷۹.

۳. خواجه نصیر الدین الطوسی، شرح الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۶۶.
 ۴. فخرالدین محمد رازی، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج سوم، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ۴۴۹؛ ج ۳۲، ص ۳۴۲. البته این دو نگرش به عمر و ابوبکر نسبت داده شده است: عبدالحق بن سبعین مرسی، أنوار النبی صلی الله علیه و آله أسرارها و أنواعها، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۱۴۲۸ق، ص ۲۸.

توحیدی فقط در اوصیای اولیای الهی بوده و به ظهور می‌رسد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به یار غارش فرمود «لا تحزن إن الله معنا»^۱ و در برخی دیگر از ادعیه مأثوره (دعای شب پنجشنبه) داریم که عرضه داشته‌اند: «لا یری فیه نور إلا نورک و لا یسمع فیه صوت إلا صوتک»^۲.

ب. قرب فرایض: بخش دیگری از نجواها و ترنم‌های امام رضا (علیه السلام) با خدا درباره‌ی یگانه ولیّ دوران، امام عصر (ارواحنا فداه)، به مراتب توحیدی حاصل از قرب فرایض مربوط می‌شود که به ترتیب زیر است:

«فإنهم معادن کلماتک و خزآن علمک و أركان توحیدک و دعائم دینک و ولاء أمرک و خالصتک من عبادک و صفوتک من خلقک و أولیاءک و سلائل أولیاءک و صفوه أولاد نبیک»^۳ خدایا، آنان (یعنی ائمه علیهم السلام) معدن‌های کلمات تو، خزانه‌داران علم تو، رکن‌های توحید، ستون‌های دین تو، والیان امر تو، برگزیده‌ی تو از میان بندگانت، خالص‌ترین مخلوقات، اولیای تو بر بندگانت، سلاله‌ی (نسل) اولیای تو و برگزیده‌ی فرزندان پیغمبرت هستند.

«اللهم اذفع عن ولیک و خلیفتک و حجّتک علی خلقک و لسانک المعبر عنک الناطق بحکمک و عینک الناظره بإذنک و شاهدک علی عبادک،

۱. توبه/۴۰.

۲. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهدّد، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۸۱.

۳. آن‌ها معدن‌های کلمات تو و گنجینه‌ی دانش تو، اساس توحید تو، ستون‌های دین تو، والیان امر تو، بندگان خالص و برگزیده‌ی تو، برگزیدگان از مخلوقات تو، دوستان و فرزندان دوستان تو و برگزیده‌ی فرزندان پیغمبر تو هستند.

الججاج المجاهد»^۱ یعنی امام زمان (ارواح‌فداه) ولی، خلیفه و حجت الهی، زبان تعبیرگر از خدا، ناطق به حکم خدا، دیده‌ی بینای خدا، شاهد خدا بر بندگان خدا، سرور همه‌ی انسان‌ها و مجاهد است.

همه‌ی این صفات در بستر توحید افعالی و قرب فرایض معنا می‌یابد و بدین معناست که خداوند در وجود نازنین امام معصوم تجلی کرده و او نیز اسماء و صفات الهی را به منصه‌ی ظهور می‌رساند. به طوری که حتی انبیای الهی نیز به برکت چنین مقامی دارای معجزات معروف گشته‌اند و اگر دارای این قرابت نبودند، هیچ یک از تصرف‌های معهود آنان در امور مختلف (یعنی آنچه که از آنان به ما رسیده است) تحقق نمی‌یافت؛ زیرا «ولی» از اسمای الهی است و هرگز منقطع و ختم نمی‌شود، اما «نبی» از صفات کمالی بشر است و ختم می‌شود.^۲

با توجه به این معنا، سایر فرازهای دعاها مثل موارد زیر که محتوای آنها بر انجام دادن کارهای بزرگی در آخر الزمان دلالت دارد نیز در ردیف توحید افعالی برخاسته از قرب فرایض قرار می‌گیرد:

۱. بارالها! (بدی‌ها و بلاها را) از دوست و نماینده‌ی خود، جانشینت، تجلی احتیاجت بر بندگان، زبان تعبیرکننده از تو که به حکم و حکمت تو گویاست، دیده‌ی بینای خودت و گواه خودت که با اذن تو نظاره‌گر و گواه (بر موجودات) است که سرور و بزرگترین سالار انسان‌ها و مجاهد در راه توست دفع کن.

۲. محمد داوود قیصری، شرح فصوص الحکم، به کوشش سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، شرکت

«فاجعلهم اللّهم فی حرزک و فی ظل کنفک و رد عنهم بأس من قصد إلیهم بالعداوه من خلقک و أجزل لهم من دعوتک من کفایتک و معونتک لهم و تأییدک و نصرک إیّاهم ما تعینهم به علی طاعتک و أزهد بحقهم باطل من أراد إطفاء نورک و صلّ علی محمد و آله و املاً بهم کلّ أفق من الآفاق و قطر من الأقطار قسطاً و عدلاً و رحمه و فضلاً و اشکر لهم علی حسب کرمک و جودک و ما مننت به علی القائمین بالقسط من عبادک و أذخر لهم من ثوابک ما ترفع لهم به الدرجات إنک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید آمین رب العالمین»؛ و «اللّهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق و أمّت به الجور و أظهر به العدل و زین بطول بقائه الأرض و أيّده بالنصر و انصره بالرعب و قوّ ناصریه و اخذل خاذلیه و دمدم من نصب له و دمر من غشه و اقل به جبابره الکفر و عمدته و دعائمه و اقصم به رؤوس الضلاله و شارعه البدع، و ممیته السنه و مقویه الباطل و ذلّل به الجبارین و أبر به الکافرین و جمیع الملحدين فی مشارق الأرض و مغاربها و برّها و بحرّها و سهلها و جبلها، حتی لاتدع منهم دياراً، و لاتبقى لهم آثاراً»^۱ یعنی بارالها! همه ی این

۱. بارالها! به دست او شکستگی ها و گسستگی های اسلام را اصلاح فرما، کار فرو بسته ی ما را بگشا، ستم را بمیران، عدالت را ظاهر گردان، به طول بقای وی زمین را زینت ببخش، یا یاری الهی او را تأیید نما، با هیبت الهی یاریش کن، یارانش را تقویت کن و آنان را که از یاری وی اجتناب می کنند یاری نکن، خشم کن بر کسی که او را به زحمت می اندازد، هلاک کن آن کس را که به او خیانت کند، و به دست همو سرکشان و ظالمان برجم و لشکر کفر و ستون و ارکانش را بکش و از میان بردار، و سردهسته های گمراهی، بدعت گذاران، کسانی که سنت های الهی را از میان می برند و تقویت کنندگان باطل را برکن و به دست او سرکش ها را ذلیل گردان و به دست همو کسافران و همه ی ملحدان سراسر این کره یخاکی را هلاک گردان تا اثری از آن ها باقی نماند.

کارها را به سبب و وسیله‌ی امام عصر (ارواحنا فداه) که با همه‌ی اسما و صفات در او تجلی کرده‌ای، محقق گردان؛ زیرا امام زمان به سبب این که تجلی‌گاه همه‌ی کمالات قابل تصور خداوند گشته است، او چنین کارهای بزرگ و اساسی انجام خواهد داد، کارهایی که فقط از دست و توان الهی برمی‌آید و بس. و او دست توانمند خداست. چنان که پدرش امیر عارفان و شیعیان ناب فرمود: «أَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا بَابُ اللَّهِ.»^۱ و «أنا الهادي و المهتدي و أبو اليتامى و زوج الأرملة و المساكين و أنا ملجأ كل ضعيف و مأمن كل خائف و أنا قائد المؤمنين إلى الجنة و أنا حبل الله المتين و أنا عروة الله الوثقى و أنا عين الله و لسانه الصادق و يده، و أنا جنب الله الذي تقول نفس يا حسرتي على ما فرطت في جنب الله، و أنا يد الله المبسوطة على عباده بالرحمة و المغفرة و أنا باب حطة، من عرفني و عرف حقي فقد عرف ربه لأني وصي نبيه في أرضه و حجته على خلقه لا ينكر هذا إلا راداً على الله و رسوله»^۲

با توجه به محتوای قرب فرایض، مطالبی که در دعاهاى امامان معصوم (عليهم السلام) با این محتوا آمده است که الهی آنان (یعنی اولیای بزرگوار تو) دارای ویژگی‌هایی مثل خلافت و خزانه‌داری خزانه‌های غیبی خداوند هستند، یا این که آنان دست، و چشم و گوش خدایند، به این بخش از معرفت توحیدی و توحید ولایی مربوط است که امامان معصوم از محضر

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)، الإختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق،

الوهی درخواست کرده‌اند؛ یعنی خداوند! تو خودت با همه‌ی اسماء و صفات خودت در این اولیا تجلی و ظهور کن بدون این که آنان مراحل و مراتب تکامل را بیمایند.

این حقیقت از آن جا ناشی می‌شود که قلب انسان کامل دارای وسعتی به فراخی وجود لایتناهی خداوند است^۱ و خود او این حقیقت را بازگو کرده است که: «زمین و آسمان من وسعت مرا ندارند، در حالی که قلب بنده‌ی مومن من، وسعت مرا داراست.»^۲ برخی از اهل معرفت این حدیث را این گونه توضیح داده اند: قابلیت قلب که ظهور کمالات الهی را اقتضا دارد، قلب نیز برای جای دادن نور اسم اقدس خداوند وسعت می‌یابد و تجلی اقدس خداوند با ظهور همه‌ی نام‌های کمالی مرتبط با این اسم در آن به

۱. البته این مطلب نباید موهم این مسأله‌ی شرک‌آلود گردد که چگونه ممکن است موجود ممکن و مادی با وجود خدا برابری کند؟ زیرا این حقیقت به معنای این است که حقیقت وجود آن حضرت محل تجلی اسماء و صفات خدایی است نه ماده و جسم آن حضرت. چنان که در ادعیه‌ی معتبر از ناحیه‌ی مقدسه آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَسِرُّونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تُعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقَهَا وَ رَتَقَهَا بِيَدِكَ بَدْوَهَا مِنْكَ وَ عَوْدَهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ وَ أَشْهَادٌ وَ مَنَاءٌ وَ أَرْوَادٌ وَ حَفْظَةٌ وَ رُؤَادٌ فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَ بِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بِمَقَامَاتِكَ وَ عِلْمَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَزِيدَنِي إِيمَاناً وَ تَشِيئاً». شيخ طوسی، مصباح المتعجب، ص ۸۰۳.

۲. ابن ابی الجمهور احسانی، عوالی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷؛

بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

ظهور می‌رسد.^۱ مرحوم امام خمینی نیز در شرح و توضیح وسعت دل چنین گفته است: «قلب عارف از این جهت که او در مقام احدیت جمع^۲ مستهلک شده است، وسیع‌تر از تمام مخلوقات بوده و حتی وسیع‌تر از تجلی اسمایی حق تعالی بوده، توان و قابلیت مظهریت بر حق تعالی را داراست.»^۳ از این جهت در زیارت مخصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را با اسم «الحقّ الجدید و العالم الذی علمه لایبید» مورد خطاب قرار می‌دهیم؛^۴ در حالی که این اوصاف از اسمای خداوند متعال است.

۲. هم ردیف بودن امام عصر (ارواحنا فداه) با انبیا و ملائکه:

امام رضا و سایر ائمه‌ی بزرگوار (علیهم السلام) در چندین مورد از خداوند خواسته‌اند که امام زمان را در پناه و محفوفیت ملائکه قرار دهد: «حَفَّهْ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا» و «حَفَّهْ بِمَلَائِكَتِكَ». حقیقت محفوف بودن امام معصوم در میان فرشتگان الهی چیست؟

پیش از پرداختن به پاسخ این پرسش، ذکر یک مقدمه ضروری به نظر می‌رسد و آن هم عبارت است از این که یکی از مسایل مهم مطرح در ذیل

۱. عبدالکریم جیلی، لوامع البرق الموهین، تحقیق قاسم طهرانی، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۹م، ص ۹۷. او در ادامه‌ی مطلب به شرح این مسأله پرداخته است که چگونه حضرات و مراتب گوناگون هستی در درون قلب امام محمّدی حاضر است.

۲. استهلاک در احدیت در اصطلاح عارفان عبارت است از بالاترین مراتب توحید و فنا.

۳. قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۶۳۱، تعلیقه شماره ۱۹ از حضرت امام خمینی (ره).

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۲۹؛ ابراهیم کفعمی، جنه الأمان الواقیه و جنه الإیمان الباقیه، قم، انتشارات رضی (زاهدی)، چ دوم، ۱۴۰۵ق، ص ۴۹۷.

مبحث مربوط به مقامات ائمه (علیهم السلام)، برتری و عدم برتری وجود آن بزرگواران نسبت به فرشتگان می‌باشد. مسأله از این قرار است که با توجه به سعی وجودی انسان کامل به‌ویژه امام عصر (ارواحنا فداه)، آیا او در مقایسه با وجود ملایکه از مراتب و مقامات پایین‌تری برخوردار است یا مقام و وجود او از آنها بالاتر و وسیع‌تر است؟ این مسأله یکی از پردامنه‌ترین مباحث کلامی، تفسیری و عرفانی به‌شمار می‌رود و نظرات و مطالب گوناگونی در این باره از جانب دانشمندان اسلامی عرضه شده است؛ اما نکته‌ی حایز اهمیت در این مجال این است که حقیقت محمدیه و باطن آن یعنی حقیقت ولایت اهل بیت (علیهم السلام) نخستین مخلوق به‌شمار می‌روند و از این جهت بر ملایکه تقدّم و برتری دارند.^۱

حال با این توضیح روشن می‌شود که محفوفیت امام زمان با فرشتگان نه به معنای سلطه و حاکمیت آنان بر ایشان، بلکه به معنای گردش آنان به دور امام و وابستگی وجود آنها به وجود امام عصر است که محور گردش کائنات به‌شمار می‌رود؛ زیرا وجود قدسی امام عصر (ارواحنا فداه) در رویکرد عرفانی اهل معرفت به عنوان مرکز ثقل و محور گردش همه‌ی امور هستی تلقی و تبیین شده است، به‌ویژه این که خلفای الهی بر خاتم الأنبیا بوده و تمامیت بخش دایره‌ی ولایت خداوند در سلسله‌ی موجودات به‌شمار می‌روند. این مسأله نیز از جمله موارد توحید افعالی است و در واقع یکی از

۱. احسانی، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۹۹؛ محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)،

کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۵.

فصل دوم: ویژگی‌های وجودی امام عصر (ارواحنا فداها)

نتایج قرب نوافل است که امام عصر (ارواحنا فداها) از طریق آن در هستی تأثیر گذاشته و حتی فرشتگان نیز به وجود او قایم اند.^۱

۳. صفات ولایی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

توصیف‌هایی که امام رضا (علیه السلام) درباره‌ی امام عصر (ارواحنا فداها) به کار برده است، شایان توجه است و تعبیر بسیار مهمی را در بر دارد که نقش آموزشی و تربیتی دعا را ایفا می‌کند؛ یعنی امام به ما می‌آموزد که چه تعبیر و ویژگی‌هایی را در مورد حجت الهی به کار ببریم تا دچار لغزش و بی‌ادبی در محضر آن امام غایب نگردیم. هر کدام از این اوصاف دارای معنا و پیام معرفتی و اعتقادی ویژه‌ای است که می‌توان از جمله‌ی آن‌ها به موارد زیر اشاره کرد:

الف. عبودیت: «اللهم أصلح عبدک و خلیفتک»؛ یکی از مهم‌ترین اوصاف وجودی امام عصر (ارواحنا فداها) عبد و خلیفه بودن اوست. عبودیت، اصل و اساس مقام ولایت و خلافت الهی است؛ زیرا بنده‌ی حقیقی و کامل خدا جز

۱. در برخی از روایات به کیفیت در برگرفتن امام زمان توسط ملائکه آمده است که جبریل و میکائیل از چپ و راست ایشان و سایر ملائکه در پشت سر و انصارش در مقابل خواهند بود که ایشان برای آن‌ها نقشه‌های عملیات‌ها را تشریح خواهد کرد که البته این مسأله فقط ظاهر قضیه است و مسایل باطنی و ولایی را مورد توجه قرار نمی‌دهد: محمد بن ابراهیم نعمانی مشهور به ابن زینب، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۷؛ علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۶۳. در برخی از روایات نیز به ابعاد ولایی این مسأله اشاره شده است که باید در جای خود بررسی شود: کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۵.

به مشیت الهی عمل نمی‌کند^۱ و همه‌ی اعمال او با اسرار قدر خداوند منطبق است.^۲ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: عبودیت دارای جوهری است که بن‌مایه‌ی آن در ربوبیت است و هر آنچه که از هر کدام مفقود و مخفی باشد، در دیگری ظاهر می‌گردد.^۳ اهل معنا در تشریح رابطه‌ی عبودیت و ربوبیت نکته‌های نغز فراوانی گفته‌اند که توجه به یک نکته‌ی بسیار مهم در این مجال، سالک کوی ولایت را به سر منزل مقصود می‌رساند و آن نکته‌ی ظریف این است که حقیقت محمدیه^۴ صورت اسم جامع «الله» است^۵ و این

۱. چنان که در آیات قرآن بر این نکته تأکید شده است که و ما تشاءون إلا أن یشاء الله: (انسان/۳۰) و (تکویر/۲۹).

۲. اهل معرفت مقام سرّ قدر را مختص صاحبان مقام ولایت مطلق الهی می‌دانند و تصرف در همه‌ی مراتب خلقت را در ردیف حقایق آن مقام به اجرا در می‌آورند، به همین دلیل کاری را بدون اذن خداوند و بدون اقتضای حقایق سرّ القدر انجام نمی‌دهند: قیصری، شرح فصوص الحکم، صص ۴۲۲ به بعد، و ۸۸.

۳. امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (کلمات امام صادق علیه السلام)، به کوشش عبدالرزاق گیلانی، تصحیح سیدجلال الدین محدث، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق، ص ۷؛ و نیز: عبدالرزاق گیلانی، شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، تصحیح رضا مرندی، ۱۳۷۷، ص ۵۹۷.

۴. البته نه شخص خارجی حضرت ختمی مرتبت که از لحاظ بشریت‌اش فانی گشته است، بلکه حقیقت نورانی و الهی او که نخستین مخلوق و مربوب حق تعالی است.

۵. بنا به حدیث «أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (کلینی، الکافی ج ۱، ص ۱۳۴) که مراد از آدم در آن آدم نوعی و آدم حقیقی یعنی حقیقت محمدیه است (عبد الرزاق کاشانی، مجموعه رسایل و مصنفات کاشانی، مقدمه و تصحیح مجید هادی زاده، تهران، میراث مکتوب، ج دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۸۶؛ تاج الدین حسین بن حسن خوارزمی، شرح فصوص الحکم، تهران، انتشارات مولی، ج -

صورت نیز تنها مخلوق خداوند است که جامع همه‌ی مظاهر و مخلوقات است. از این رو، او هم مربوط اسم جامع است؛ زیرا که آن اسم جامع یگانه ربّ الارباب است، و هم ربّ همه‌ی مظاهر کونی در عالم اعیان است. بنابراین، انسان کامل دارای مقام ربوبیت مطلقه‌ی الهی در عالم است.^۱

البته مقام بندگی در انسان کامل به تناسب کمال وجودی او نیز کامل است و تمامیت معنای عبودیت در وی به منصفی ظهور رسیده است؛ زیرا سایر بندگان به صورت غیبی و ایمان به غیب، به پرستش و بندگی حق تعالی می‌پردازند؛ اما او در نهایت وضوح شهادت و عیان بندگی خدا را به جا می‌آورد.^۲ و این مهم‌ترین وجه تمایز میان بندگی امام عصر (ارواحنا فداه) و سایر انسان‌ها است.

و در نظر اهل معرفت از این رو، شهادت دادن مسلمانان بر عبودیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، نسبت به شهادت دادن آنان بر رسالت آن حضرت مقدم گشته است^۳ و بسیاری از انبیای الهی در قرآن کریم یا از زبان

دوم، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲)، صورت انسان کامل کامل‌ترین و جامع‌ترین صورت ممکن بوده است که توسط اسم جامع (الله) ظاهر گشته است.

۱. محیی الدین ابن العربی، تشبیهات علی علو الحقیقه المحمّدیّه، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. سیدحسین بروجردی، تفسیر الصراط المستقیم، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۶ق، ج ۳، صص ۲۲۸ و ۲۸۸ و بعد؛ محمد بن ابراهیم صدرالمتالهین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر ملاصدرا)، تحقیق محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ج دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۹۷.

خودشان مثل حضرت عیسی (علیه السلام)^۱ و یا در گفتار حق خداوند^۲ به عنوان بنده‌ی خدا (عبدالله یا عبدنا) معرفی گشته‌اند. چنان که حتی خداوند در توصیف معراج پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر حقیقت عبودیت تأکید کرده است.^۳ بنابراین، رسالت و خلافت الهی در حقیقت از مقام عبودیت مطلق آنان سرچشمه می‌گیرد^۴ و این است سرّ این که حضرت علی (علیه السلام) عرضه داشته است که: «الهی کفانی فخرأ أن تکون لی رباً و کفانی عزاً أن اکون لک عبداً».^۵

گویا از این جهت است که امام صادق (علیه السلام) در بیان حقیقت تشهّد، شهادت دادن بر عبودیت حضرت ختمی مرتبت را به عنوان احترام بر مقام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی نموده است.^۶

نکته‌ی دیگری که عارفان برجسته‌ی جهان اسلام در باب عبودیت بیان کرده‌اند، این است که هر انسانی به تناسب پیشرفت در مراتب کمالی و تلبّس به اسمای الهی نسبت به یکی از اسمای خداوند عُلقه و رابطه‌ی ربّ و

۱. مریم/۳۰.

۲. مثل عبدنا برای رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم (بقره/۲۲)، حضرت داود (ص/۱۷)، حضرت ایوب (ص/۴۱)، و حضرت نوح (قمر/۹).

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ: (إسراء/۱).

۴. طیب سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ج دوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۶ و بعد.

۵. عبدالحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق (افست از: بیروت، دار إحياء الكتب العربية، ج دوم، ۱۳۸۷ق)، ج ۲۰، ص ۲۵۵.

۶. عبدالرزاق گیلانی، شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، تصحیح رضا مرندی، ص ۱۳۱ به بعد.

مربوبی پیدا می‌کند^۱ و هر کسی عبدِ یکی از نام‌های زیبای الهی می‌گردد؛^۲ بنابراین، انسان‌ها عبد اسمای خدایند به گونه‌ای که به تعداد نام‌های نامحدود او می‌توان عبد برشمرد: عبدالرحیم، عبدالرحمن، عبدالکریم، عبدالحمید، عبدالمجید، عبدالهادی، عبدالکافی، عبدالباقی، عبدالکبیر، عبدالمنعم، عبدالغفور، عبدالقادر، عبدالعالم و عبد هر یک از نام‌های خدا.^۳ حال برخی از انسان‌ها فقط عبد یک اسم‌اند، برخی عبد دو یا بیش از دو اسم هستند و برخی از انسان‌ها مثل حضرت ختمی مرتبت نیز جامعیت عبودیت نسبت به همه‌ی نام‌های خدا را داشته و عبدالله هستند^۴ و تعبیری مثل عبدالله، عبده و عبدک برای مخاطبه با آن‌ها به کار می‌رود؛ زیرا اسم «الله» جامع اسمای الهی است^۵ و ائمه به‌ویژه امام عصر (ارواحنا فداء) که به تعبیر عارفان، «سرّ الأنبياء أجمعين» هستند^۶ جامع همه‌ی مراتب نام‌ها و صفات الهی می‌باشند. از این رو، تعبیر عبدک در دعای امام رضا (علیه السلام) برای صاحب دوران امام عصر (ارواحنا فداء) به کار رفته است.

-
۱. صائن الدین علی بن محمد ترکه معروف به ابن ترکه، شرح فصوص الحکم، تحقیق و تعلیق محسن بیدارفر، قم، بیدار، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۶۰.
 ۲. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه، تحقیق عثمان یحیی، قاهره، المكتبه العربیه، چ دوم، ۱۴۰۵ق (۱۴ جلدی)، ج ۱۲، ص ۴۳۷.
 ۳. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، ج ۴، ص ۴۱۲.
 ۴. قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۴۶۳، تعلیقه سید جلال الدین آشتیانی.
 ۵. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، ج ۱، ص ۶۲۳.
 ۶. صائن الدین علی بن محمد الترکه، تمهید القواعد، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۱.

چنان که گفته شد، ائمه‌ی بزرگوار روش‌های ادب و حرمت در محضر الهی و ربوبی را به ما آموزش می‌دهند تا با تعابیری امامان و پیامبر خود را مورد خطاب قرار دهیم تا با احترام کامل خود حق حرمت حقیقی و شرافت ذاتی آنان نسبت به شایستگی آنان بر همه‌ی مراتب خلافت و ولایت را ادا نماییم. ما باید امام زمان را بنده‌ی مطیع و برگزیده‌ی خداوند بدانیم و با این صفت او را مورد خطاب قرار دهیم.

با توجه به مقام عبودیت و قرب نوافلی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خداوند تبارک و تعالی ایشان را به عنوان انسانی کامل برگزیده است و حجّت الهی او یعنی امام هشتم (علیه السلام) ابعاد برگزیده بودن وی را این گونه توصیف کرده است: «فإنّه عبدک الذی استخلصته لنفسک، و اصطفیته علی غیبک، و عصمته من الذنوب، و برأته من العیوب، و طهرته من الرجس، و سلّمته من الدنس»؛ یعنی خداوندا! او را مخصوص به خودت برگزیدی، بر غیب خودت برگزیدی (مصطفی گردانیدی)، از گناهان پاکش (معصومش) کردی، از هر عیبی دور (مبری) کردی، از ناپاکی‌ها پاک (مطهر) گردانیدی، و از پلیدی‌ها سالم (مسلم) نگه داشتی.

سپس امام رضا (علیه السلام) نسبت به مقام عصمت ایشان شهادت داده و عرضه داشته است: «اللّهم فإنا نشهد له یوم القیامه و یوم طول الطامه أنّه لم یذنب ذنباً و لا أتى حوباً و لم یرتکب معصیه و لم یضیع لک طاعه و لم یهتک لک حرمة و لم یبدل لک فریضه و لم یغیر لک شریعه و أنّه الهادی المهتدی الطاهر التقی النقی الرضی الزکی»؛ یعنی خدایا! ما در روز قیامت و روزی که هول انگیزی آن دراز است شهادت خواهیم داد که او هیچ

گناهی انجام نداده، خطایی به بار نیاورده و معصیتی مرتکب نشده است و طاعتی از محضر تو ضایع نکرده، حرمتی از درگاه تو هتک نکرده، واجبی را جابه جا (تبدیل به حرام) نکرده و شریعتی از حقایق شرع مقدّس تو را تغییر نداده است؛ و اوست که یگانه هدایت‌گر دوران و هدایت‌یافته، طاهر، تقی، نقی، رضی و زکیّ روزگاران است.

این اوصاف در واقع، ویژگی‌های ولایی و امامت حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در پرتو عبودیت کامل کسب کرده است و در ردیف اوصاف امامت توضیح داده خواهند شد.

ب. خلافت الهی: «اللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ»؛ یکی از اوصاف وجودی امام عصر (ارواحنا فداه) خلافت وجودی آن حضرت بر همه‌ی امور الهی است که در واقع از همان مقام عبودیت (قرین مقام ربوبیت خدا) سرچشمه گرفته و امری ذاتی است؛ زیرا اگر مقام عبودیت که مسلماً از اوصاف وجودی ایشان است تحقق بیابد، مقام خلافت را به طور ذاتی کسب خواهد کرد؛ چرا که شأنیت و جایگاه خلافت فقط شایسته‌ی کسانی است که دارای چنین مقامی باشند. یعنی دعای ما در حق امام منتظر (ارواحنا فداه)، دعا در حق خلیفه‌ی الهی است که جانشین او در همه‌ی امور هستی حتی استجابت دعا‌های ما به شماز می‌رود. بنابراین، ادب حضور اقتضا می‌کند که او را با این وصف یاد کرده و آگاه باشیم که با این اندیشه و مبنا خطاب ما نه تنها به خداوند، بلکه به خود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز متوجه است.

ج. ولایت: «اللهم اذفع عن ولیک»؛ گفته شد که رسیدن به مقام والای ولایت، با طیّ مراحل کمالی قرب نوافل و قرب فرایض امکان پذیر است. و ریشه‌ی اصلی ولایت تامّه و عامّه قرب فرایض است؛ زیرا در قرب فرایض، این خدا است که در بنده‌ی خود (که عبودیت امام عصر روشن شد)، تجلّی کرده و همه‌ی اسما و صفاتش را نمایان می‌سازد. از این رو، قدرت تصرف در همه‌ی مراتب هستی نصیب صاحب مقام قرب فرایض یعنی توحید افعالی حاصل می‌گردد، چنان که اساساً اسم «الولی» از اسمای خاص الهی است که به اهل تصرف اطلاق گشته و خداوند در تجلی با آن اسم، ابعاد تصرف در مراتب خلقت را در وجود متجلّی له (یا متجلّی فیه؛ یعنی کسی که در او تجلی یافته است و او کسی جز امام عصر ارواحنا فداه نیست) به منصه‌ی ظهور می‌رساند، به‌ویژه این که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مظهر اتمّ و اکمل اسم جامع خداوند (یعنی الله) است که اهل معنا از آن به کمال اسمایی حقّ تعال تعبیر می‌کنند^۱ و چنان که روشن شد او عبدالله است و مقام عبودیت همه‌ی اسمای الهی را کسب کرده است.^۲ بنابراین، به دلیل این که همه‌ی ما سوی الله، عرصه و بستر ولایت و تصرف اسم جامع و مظهر آن است، امام عصر (ارواحنا فداه) نیز که مظهر کامل آن است، در همه‌ی مراتب خلقت ولایت و تصرف دارد.^۳

۱. سعیدالدین فرغانی، منتهی المدارک، ص ۵۲.

۲. آقا محمدرضا قمشه‌ای، مجموعه آثار حکیم صهبا، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی و خلیل بهرامی قصرجمی، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵.

۳. همان، ص ۸۵.

د. حجت الهی بر مردم: «اللهم اذفع عن حجتک علی خلقک»؛ حضرت مهدی (سلام الله علیه) بنا به مفاد آیهی شریفه «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۱، کاملترین مصداق «من اتبعنی» به شمار می‌رود که در همه‌ی امورش دارای بصیرت کامل نبوی و ولایی است و بنا به مقتضای حدیث نبوی عامی درباره‌ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که «یقفو اثری لا یخطئ»^۲ او در همه‌ی مسایل و حقایق پیرو پیامبر عظیم الشان اسلام است.^۳ از این رو، او نیز به مثابه‌ی حجت قاطع و بلکه وجود نازنینش عین حجت الهی بر مردمان است. حجت یعنی آنچه که شک و گمان را از میان می‌برد. حجت بودن امام معصوم نیز به معنای این است که جای هیچ شک و تردیدی نسبت به توحید و حقانیت دین مبین اسلام برای مردم روی زمین باقی نمی‌گذارد. علی‌رغم این که همه‌ی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) چنین تأثیری بر مردم داشتند، این تصرف و تأثیر بارزترین ویژگی امام عصر پس از ظهور خواهد بود؛ زیرا ایشان خود در

۱. یوسف/۱۰۸.

۲. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، ج ۳، ص ۳۲۲. این حدیث فقط توسط ابن عربی نقل شده و در هیچ منبع دیگری یافت نشد؛ اما در روایات دیگری این مضمون وجود دارد که می‌توان بر اساس آن حدیث مزبور را تأیید کرد. رک به: أبو عبدالله نعیم بن حماد المروزی، کتاب الفتن، تحقیق سمیر امین الزهیری، قاهره، مکتبه التوحید، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۷۰ و بعد، ح ۱۰۹۰؛

۳. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، ج ۳، ص ۳۲۲؛ میرحامد حسین لکهنوی، عبقات الأنوار فی إمامه الأئمه الأطهار، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین علی علیه السلام، ج دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۲۳، ص ۲۲.

بدو تولد بر این مهم تصریح و تأکید نموده‌اند کہ: «زعمت الظلمه أن حجّه الله داحضه و لو أذن لنا فی الکلام لزال الشک.»^۱ و این معنا تأکیدی بر حقیقتِ معنای حجّت است، یعنی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کامل‌ترین مصداق و تنها تحقق بخشِ معنا و مفهوم حجّت به شمار می‌رود. تعبیر حجّه الله برای ائمه‌ی معصومین و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اضافه‌های متعددی در روایات و دعاها آمده است کہ هر یک دارای ابعادی خاص از قاطعیّت برهان الهی برای ارضای عقل و دل مردم بوده و نکات توحیدی و تربیتی ویژه‌ای را متذکر می‌شود؛ مثل حجّه الله علی خلقه^۲ یا خلقک، حجّه الله فی أرضه،^۳ حجّه الله علی الأولین و الآخرین،^۴ حجّه الله علی من کفر و أناب،^۵ حجّه الله فی أرضه و سمائه و یا، من فی الأرض و السماء،^۶ حجّه الله علی الخلق أجمعین،^۷ حجّه الله الّتی لا تخفی، حجّه الله علی من فی الأرض و السماء،^۸ حجّه الله علی الفجّار،^۹ حجّه الله فی

۱. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۴۵۷.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، اسوه، بی تا، ص ۱۰۸.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. همان، ص ۳۲۰.

۵. همان، ص ۳۷۵.

۶. همان، ص ۵۲۶.

۷. همان، ص ۴۴۷.

۸. همان، ص ۵۲۶.

۹. سید بن طاوس، الإقبال بالأعمال الحسنه فیما يعمل مرّه فی السنه، قم، مرکز انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۹.

قلوب المعترین من عباده لرسله و أنبیائه،^۱ حجه الله علی عباده یا علی العباد،^۲ و سایر اضافات که بررسی مجموع آنها و ابعاد محتوای هر یک از آنها مجالی ویژه می طلبد.

از طرفی، اوصاف متعددی برای این تعبیر در روایات و دعاها ذکر شده است که حایز اهمیت می باشد؛ از جمله: حجه الله البالغه،^۳ حجه الله الکبری،^۴ حجه الله الباقیه^۵ و حجه الله الخاتم الوارث.^۶

۴. سبب اتصال بین آسمان الوهیت و زمین بشری

امام رضا (علیه السلام) در بخشی از دعاهاى خود در حق حضرت حجت (صلوات الله علیه) عباراتی را در قالب توسل ارایه کرده است که مسایل اساسی را در زمینه ی امام شناسی عرفانی تبیین می کند. این بخش از بیانات ایشان به واسطه ی فیض بودن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مربوط می شود که توضیح چارچوب نظری و اعتقادی آن به شرح زیر می باشد:

۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲. مولی محسن فیض کاشانی، المحجه البیضاء فی إحياء الإحياء، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، صص ۳۴۶، ۳۵۳.

۴. همان، ص ۳۸۱.

۵. سید بن طاوس، الإقبال بالأعمال، ج ۲، ص ۳۳۱.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۳۲.

در دعای توسل به حضرت مهدی این گونه زمزمه می‌کنیم: «اللّٰهُمَّ وَ قَدْ
أَصْبَحْتُ يَوْمِي هَذَا لَا ثِقَةَ لِي وَ لَا رَجَاءَ وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَفْزَعَ وَ لَا مَنْجَى غَيْرَ
مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ثُمَّ
عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ
وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مَنْ بَعْدَهُمْ
يَقِيمُ الْحَجَّةَ إِلَى الْحَجَّةِ الْمَسْتَوْرَةِ مِنْ وَلَدِهِ الْمَرْجُوعِ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ
فَاَجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حَصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ وَ مَعْقَلِي مِنَ الْمَخَافِ
وَ نَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ فَاسِقٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْرَفَ وَ
مَا أَنْكَرَ وَ مَا اسْتَرَّ عَنِّي وَ مَا أَبْصَرَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا،
إِنَّكَ عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ، اللَّهُمَّ بِتَوَسُّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَ تَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَ
تَحَصُّنِي بِإِمَامَتِهِمْ افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ
رَحْمَتَكَ وَ حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَ جَنِّبْنِي بَغْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلِيٌّ كُلُّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ نکته و پیام مهم این دعا عبارت است از وساطت امام

۱. خداوندا! من امروز صبح کردم در حالی که هیچ پشتیبان و پناهگاه و ملجایی ندارم جز کسانی
که به آنان متوسل شده‌ام از آل رسالت علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و
موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد که درود تو بر تمامی آنان باد. خداوندا! آنان را دژ
من از ناخوشایندی‌ها و پناهگاهم از چیزهای هراسناک قرار ده و مرا به حق آنان از هر دشمن
سرکش و هر فاسق ستم‌کار و از شر آنچه که می‌شناسم یا نمی‌شناسم و از شر آنچه که بر من
پوشیده است و آنچه که می‌بینم و از شر هر جنبنده‌ای که اختیارش به دست پروردگار من است
نجات بخش که همانا پروردگارم بر راه راست است. خداوندا! به همین که من آنان را وسیله‌ی
خود به سوی تو قرار داده و با دوستی ایشان خود را به تو نزدیک ساختم درهای رحمت و

عصر (ارواحنا فداها) بین خدا و همه‌ی امور هستی. البته عبارات دیگری در بین این دعاها وجود دارد که دارای همین مضمون و معناست، مثل: «فإنهم معادن کلماتک و خزائن علمک و أركان توحیدک و دعائم دینک و ولاء امرک.»

آنچه که این مضامین به ما می‌آموزد به این امر معطوف است که امام عصر (ارواحنا فداها) در همه‌ی امور انسان‌ها و بلکه همه‌ی موجودات به عنوان واسطه‌ی فیض خداوندی است و فیض الهی معرفت، دانش، رزق و روزی، مادیات، و معنویات از طریق ایشان به موجودات می‌رسد.

مبنای نظری این مسأله از این قرار است که انسان کامل در اندیشه‌ی عارفان برجسته‌ی شیعه از جهت مراتب وجودی و نزول حقایق الهی تا پایین‌ترین مراتب هستی، نقش تار و پود اصلی کائنات را دارد و این نقش به عنوان نقشی کاملاً توحیدی و الهی تلقی شده است؛ زیرا حقیقت آن که با عناوینی مثل حقیقت محمدیه، حقیقت احمدیه، حق مخلوق، عالم اعلی، و روح محمدی تعبیر می‌شود تجلی تمام عیار و کامل اسماء و صفات الهی است و هر موجودی از موجودات مظهر و تجلی جنبه‌ای از کمالات توحید افعالی اویند. به این معنا که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نباید به عنوان شخصی با ابعاد مادی و مشخصات محدود بشری تلقی شود که جدای از سایر موجودات در کناری ایستاده و به تدبیر امور می‌پردازد؛ بلکه

آمزش خود را بر من بگشا و مرا به نزد آفریدگانت محبوب گردان و دشمنی و کینه‌ی آنان را از من دور دار، که تو بر هر چیزی توانایی.

ایشان بہ عنوان حقیقت و روحی دمیدہ شدہ در کالبد ہستی است کہ در تار و پود وجود ہمہی کائنات حضور دارد، بہ ویژه این کہ ایشان تجلی و بلکہ عین اسما و صفات الہی ہستند^۱ و بنا بہ بیان والای امر عارفان علی بن ابی طالب (علیہ السلام) کہ عرض کرد «و بأسمائک الّتی ملأت أركان کلّ شیء»،^۲ اسمای الہی ہمہی زیرساخت‌ہای اشیای عالم را پر و لبریز کردہ است. بنابراین، وجود نازنین امام عصر (ارواحنا فداه) در ہمہی تار و پود ہستی و در ہمہی ابعاد وجودی انسان حضور داشتہ و دوام فیض الہی نیز بہ کائنات بہ ہمین حضور ایشان وابستہ است. این واسطہ در زبان عرفای بزرگ شیعہ بہ حجاب اقرب تعبیر شدہ است کہ مرز میان عالم امکان و وجوب بہ شمار می‌رود.^۳ و این نکتہ، همان معنای «لا فرق بَینکَ وَ بَینہا إِلَّا أَنہُمْ عِبَادُکَ»^۴ است کہ در بیان حضرت حجت (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) (از ناحیہ ی مقدسہ) آمدہ است.

مراتب نزول حقایق کہ از ناحیہی حضرت الہی (الوہیت) تا پایین ترین مراتب خلقت صورت می‌پذیرد، مورد نظر و توجہ ہمہی اندیشمندان الہی (الہی دانان) قرار گرفتہ و اصول نظری و عقلی متعددی برای ترسیم و تبیین

۱. در بیان نورانی حضرت علی (علیہ السلام) آمدہ است کہ «أنا أسماء الله الحسنی و أمثاله العلیا»: سید ہاشم بحرانی، البرہان فی تفسیر القرآن، تحقیق موسسہ البعثہ (قم)، تہران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۹۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶ و ج ۸۸، ص ۱۷۶.

۲. کفعمی، البلد الامین، ۱۸۸. در سایر روایات نیز شبیہ بہ این عبارات آمدہ است: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸۰.

۳. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، المراقبات، تہران، موسسہ دارالاعتصام، بی‌تا، ص ۴۸.

۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۳۴.

آن ارایه شده است. آنچه که در اندیشه‌ی فلسفی حکمای اسلامی مطرح بوده و بیشتر عارفان نیز آن را اخذ کرده و بر مبنای آن سخن گفته‌اند، عبارت است از وجود سلسله‌ی علت و معلول که هیچ مورد خطا و استثنایی در آن وجود ندارد.

در این نگرش، خدا علت نخستین است و مخلوقات خدا نیز به ترتیب مراتب از نخستین مخلوق^۱ تا پایین‌ترین مراتب هستی به عنوان معلول‌های آن به شمار می‌روند. به این ترتیب که مخلوق اول علتِ مخلوق دوم، مخلوق دوم هم علتِ مخلوق سوم، تا به سر حدّ عدم که هیولای نخستین است برسد. حتی اگر فقط یک مخلوق بسیط و متعالی هم قابل فرض بوده باشد و سایر مخلوقات در درونِ کلیّت این مخلوق باشند، باز هم سلسله‌ی علت و معلول حفظ شده است. با این نقطه نظر، هر آنچه که از کمالات وجودی به معلول‌های زیرین (مراتب پایین دست) می‌رسد تحت عنایت و اشراف معلول و مخلوق نخستین است.

این معنا در زبان روایات و دعا‌های رسیده از معصومین (علیهم السلام) با سبب متصل بین زمین و آسمان تعبیر شده است؛ به‌ویژه این که در دعای ندبه این گونه نجوا می‌کنیم: «أین السّبب المتّصل بین الأرض و السّماء»^۲. بنابراین، حضرت مهدی و سایر ائمه (علیهم السلام) عروه الوثقی برای همه‌ی مخلوقات بوده و از وجود ایشان بهره‌مند هستند و فتح و ختم همه‌ی هستی

۱. نخستین مخلوق در اندیشه‌ی این دانشمندان همان وجود بسیط و حقیقت انسان کامل است.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۳۵.

به وسیله‌ی ایشان محقق می‌گردد.^۱ و همچنین ایشان سبب اصلی انتشار رحمت الهی در میان مخلوقات هستند و از این رو در دعاهای مأثور با تعبیری مثل «معدن الرحمه»، «أبواب الله»، «أركان توحیده» و «معدن الهدی» از ائمه (علیهم السلام) یاد شده است.

با این رویکرد امام زمان (ارواحنا فداء) شریک علت آفرینش به عنوان علت میانی و واسطه در فیض است و اگر وجود نازنین وی نبود، هیچ جنبنده و جمادی در کائنات باقی نمی‌ماند و این همان معنای حقیقی و هستی شناختی عبارت «لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت»، «أنها لا تبقى بغير إمام إلا أن یسخط الله علی أهل الأرض أو علی العباد، فقال: لا تبقى، إذا لساخت» و «لو أن الإمام رفع من الأرض ساعه، لماجت بأهلها كما یموج البحر بأهله»^۲ که امام معصوم در آن از یک واقعیت خارجی خبر داده است. این عبارات به ما می‌گویند که همه‌ی امور مخلوقات به دست امام عصر (ارواحنا فداء) است و از همین جهت او را حجّه الله و خلیفه الله نامیده‌اند.^۳

۱. حضرت امام خمینی (ره) این معنا را در شرح فقراتی از دعای سحر به خوبی و زیبایی هر چه تمام تبیین و تقریر کرده است: امام خمینی (ره)، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری، صص ۲۱۸ و ۲۸۴.

۲. این تعابیر بخشی از روایاتی است که در باب «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ» از اصول کافی آمده است: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. سید مصطفی خمینی، ولایه الفقیه، تصحیح گروه پژوهش موسسه تنظیم و نشر، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا، ص ۵۹.

علاوه بر این رویکرد، نگرش دیگری نیز در میان اهل معرفت مطرح است که به عنوان وجه خاص یا فیض خاص مطرح است و فیض الهی بنا بر آن دارای دو قسم و دو جنبه است: یکی عام است که به نظر می‌رسد همان چهارچوب علی و معلولی را به نمایش می‌گذارد؛ اما دیگری خاص است و از آن قوانین پیروی نکرده و اصول ویژه‌ی خود را دارد.

در فیض خاص، خداوند به طور مستقیم و بدون واسطه با یکایک مخلوقاتش ارتباط داشته و ظاهراً به واسطه نیاز ندارد. عرفا این مطلب را این گونه تبیین می‌کنند که هر موجودی می‌تواند بدون این که با سبب وجودی خودش ارتباط برقرار کند به طور مستقیم با خود خدا رابطه‌ای برقرار کرده و با او به راز و نیاز و نجوا بنشیند و به اصطلاح اهل معرفت با معشوق و معبودش خلوت کند.^۱ فیضی که از طریق وجه خاص به هر یک از بندگان خدا می‌رسد، نسبت به نحوه‌ی ارتباط آنها با خدای و اسمای الهی متفاوت می‌باشد و بسته به این که هر بنده‌ای خود را با چه نوع حالتی از برکات و تجلیات الهی متناسب و لایق کرده باشد.^۲ و بنا بر شأنیتی که هر موجودی در خود ایجاد می‌کند، هر یک از اسمای الهی در مراتبی از وجود موجودات تجلی می‌کند.^۳

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حکمت‌های اختلاف و تفاوت‌های میان موجودات در همه‌ی مراتب هستی همین فیض خاص و وجه خاص الهی

۱. محیی الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، ج ۱، ص ۵۹۹؛ ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۷۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۷۶.

است.^۱ مبنای نظری و هستی‌شناختی این مسأله همان اسمای مستأثره است که در بحث تصرف امام در کائنات مورد بررسی قرار گرفت.^۲ به هر حال در این قسم از فیض، همه‌ی واسطه‌ها در فرآیند رسیدن فیض الهی به بندگان از میان رفته و خود خدا با اسمای خودش بر بنده تجلی می‌کند؛ اما امام معصوم در این معنا نیز وجود دارد و نمی‌توان حضور او را نادیده انگاشت؛ زیرا انسان کامل همان گونه که توضیح داده شد، مظهر اتم اسمای الهی است و اگر قرار باشد که خدا با اسمای خود بر بنده‌اش ظاهر و متجلی شود، با همین مظهرش تنزل خواهد کرد و ممکن نیست که بدون حضور انسان کامل فیضی بر مخلوقاتش برسد.

با این توضیح روشن است که وجود قدسی امام زمان، حضرت مهدی (ارواحنا فداه) تنها^۳ واسطه‌ی رسیدن و تنزل فیض خداوندی بر مراتب مختلف موجودات است و از این جهت تعبیر امام رضا (علیه السلام) درباره‌ی ایشان دارای چنین مضامینی است: «وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عِلْمِ الدِّينِ وَ مَبِيرَ الْمُشْرِكِينَ وَ مُمَيِّزَ الْمُنَافِقِينَ وَ مُجَاهِدَ

۱. صدر الدین قونوی، مفتاح الغیب، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۴، ص ۵۰.

۲. تفصیل آن را باید از منابع معتبر عرفان نظری مثل مصباح الأئس و شرح فصوص الحکم قیصری جست.

۳. البته با توجه به این نکته که حقیقت همه‌ی ائمه (علیهم السلام) یگانه بوده و تمایزی جز تمایز مادی میان وجود حضرات ایشان نیست، مراد از تنها واسطه در این عبارت بر یک نور و حقیقت اطلاق می‌شود.

المارقین و إمامی و حجتی و عروتی و صراطی و دلیلی و حجتی و من لا
 أثق بأعمالی و لو زکت و لا أراها منجیه لی و لو صلحت إلا بولایته و
 الإئتمام به و الإقرار بفضائله و القبول من حملتها و التسلیم لرواتها و أقرّ
 بأوصیائه من أبنائهم أئمه و حججاً و أدله و سرجاً و أعلاماً و مناراً و ساده و
 أبراراً و أومن بسرهم و جهرهم و ظاهرهم و باطنهم و شاهدهم و غائبهم و
 حیثهم و میّتهم لا شکّ فی ذلك و لا ارتیاب عند تحوّلک و لا انقلاب، ...
 اللهم و قد أصبحت یومی هذا لا ثقہ لی و لا رجاء و لا ملجأ و لا مفرج و
 لا منجی غیر من توسّلت بهم إلیک متقرباً إلی رسولک محمد صلی الله
 علیه و آله، ثمّ علی أميرالمؤمنین و الزهراء سیّده نساء العالمین و الحسن و
 الحسین و علیّ و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن
 و من بعدهم یقیم الحجّه إلی الحجّه المستوره من ولده المرجوّ للأمه من
 بعده، اللهم فاجعلهم فی هذا الیوم و ما بعده حصنی من المکاره و معقلی من
 المخاوف و نجّنی بهم من کلّ عدوّ و طاغ و باغ و فاسق و من شرّ ما
 أعرف و ما أنکر و ما استتر عنی و ما أبصر و من شرّ کلّ دابّه ربّی آخذ
 بناصیتها»^۱ که واسطه‌ی فیض و جود الهی بودن ایشان و البته سایر ائمه را
 بیان می‌کند.

۱. همدی فقرات این دعاها دارای مضمون امام‌شناسی توحیدی است و در همین راستا معنا
 می‌یابد: و همانا علی (علیه السلام) که امیر مؤمنان و سید اوصیا و وارث علم پیامبران و کشنده‌ی
 مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهادکننده با عهدشکنان و ستم‌گران و از دین بیرون روندگان
 است، امام و حجت و راه و رهنما و جاده‌ی پهناور من (به سوی تو) است و کسی است که جز با
 ولایت او و پیروی از او و اقرار به فضایل او و پذیرش آن‌ها از حاملان ولایت او و تسلیم در برابر

راویان آنها به هیچ یک از اعمال (هرچند صالح باشد) اطمینان ندارم (آنها را هرچند صالح و درست بوده باشد، نجات بخش نمی‌بینم) به جز این که از ولایت و امامت آنها پیروی کرده باشم. خداوندا! به اوصیای از فرزندان او که همه پیشوایان و حجت‌ها و رهنمایان و چراغ‌ها و نشانه‌ها و مناره‌ها و سروران نیکو کردارند، اقرار می‌کنم و به نهان و آشکار و ظاهر و باطن و زنده و مرده و حاضر و غایب آنان ابراز دین‌داری می‌نمایم، که شک و دو دلی در آن نیست و بازگشت و دگرگونی‌ای در آن وجود ندارد. خداوندا مرا در روز حشر و هنگام نشم به امامت آنان فراخوان، و در دسته و گروه ایشان محشورم گردان و نامم را در زمره‌ی اصحابشان بنویس، ای مولای من به حق ایشان مرا از گرمای آتش دوزخ رهایی بخش که اگر مرا از آتش دوزخ معاف بداری از رستگاران خواهم بود. خداوندا! من امروز صبح کردم در حالی که هیچ پشتیبان و پناهگاه و ملجایی ندارم جز کسانی که به آنان متوسل شده‌ام از آل رسالت علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد که درود تو بر تمامی آنان باد. خداوندا! آنان را دژ من از ناخوشایندی‌ها و پناهگاهم از چیزهای هراسناک قرار ده، و مرا به حق آنان از هر دشمن سرکش و هر فاسق ستم‌کار و از شر آنچه که می‌شناسم یا نمی‌شناسم و از شر آنچه که بر من پوشیده است و آنچه که می‌بینم و از شر هر جنبنده‌ای که اختیارش به دست پروردگار من است نجات بخش.

فصل سوم: صفات امامت و ولایت امام عصر (ارواحنا فداه)

روشن شد که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به کسب مقام عبودیت و قرب نوافلی، خداوند تبارک و تعالی ایشان را به عنوان انسانی کامل برگزیده است و حجت الهی او یعنی امام هشتم (علیه السلام) ابعاد برگزیده بودن وی را به عنوان یک امام کامل و جامع شرایط این گونه توصیف کرده است: «فإنه عبدک الذی استخلصته لنفسک و اصطفیته علی غیبک و عصمته من الذنوب و برأته من العیوب و طهرته من الرجس و سلّمته من الدنس»؛ یعنی خداوندا! او را به عنوان زبدهی همه‌ی انسان‌ها مخصوص خودت برگزیدی، بر غیب خودت برگزیدی (مصطفی گردانیدی)، از گناهان پاکش (معصومش) کردی، از هر عیبی دور (مبری) کردی، از ناپاکی‌ها پاک (مطهر) گردانیدی و از پلیدی‌ها سالم (مسلم) نگه داشتی.

امام رضا (علیه السلام) نسبت به مقام عصمت ایشان این گونه شهادت داده و عرضه داشته است: «اللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ طَوْلِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يَذَنْبْ ذَنْباً وَ لَا أَتَى حَوْباً وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يَضِيعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حَرَمَةً وَ لَمْ يَبْدَلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يَغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْزَكِيُّ»؛ یعنی خدایا! ما در روز قیامت و روزی که هول انگیزی آن دراز است شهادت خواهیم داد که او

هیچ گناهی انجام نداده، خطایی به بار نیاورده و معصیتی مرتکب نشده است؛ و طاعتی از محضر تو ضایع نکرده، حرمتی از درگاه تو هتک نکرده، واجبی را جابه جا (تبدیل به حرام) نکرده، و شریعتی از حقایق شرع مقدّس تو را تغییر نداده است؛ و اوست که یگانه هادی دوران و مهتدی، طاهر، تقی، رضی و زکی روزگاران است.

این اوصاف نه اسامی امام زمان بلکه در واقع، ویژگی‌های ولایی و امامت حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در پرتو عبودیت کامل کسب کرده است. همه‌ی صفاتی که در دعا‌های امام هشتم (علیه السلام) آمده و در مضامین وجودی و شخصیتی ارایه شده است عبارتند از: مُخْلِص، مصطفی، معصوم، مبری، مطهّر، مسلم، سالم، هادی، مهتدی، طاهر، تقی، تقی، رضی، زکی، عائذ، سید، مجاهد، عابد، معدن کلمات الله و خزانه‌دار علم خداوند (کنایه و بلکه حقیقت در علم الهی و لدنی)، رکن توحید، ستون اصلی و محوری دین، ولیّ امر الهی، برگزیده‌ی بندگان خدا، برگزیده‌ی مخلوقات و اولیای خدا و برگزیده‌ی فرزندان خاتم الأنبیا، دلیل، سراج، علم، سید، برّ، منار.

برخی از این اوصاف مثل مُخْلِص، مصطفی، معصوم، مبری، مطهّر، طاهر، زکی، معدن کلمات الله و خزانه‌دار علم خداوند (کنایه و بلکه حقیقت در علم الهی و لدنی) در حقیقت، از جمله اوصاف ولایی و امامتی ایشان به شمار می‌رود و برخی دیگر مثل تقی، تقی، رضی، عائذ، سید، مجاهد، عابد، رکن توحید، ستون اصلی و محوری دین، ولیّ امر الهی، برگزیده‌ی بندگان خدا، برگزیده‌ی مخلوقات و اولیای خدا و برگزیده‌ی فرزندان خاتم الأنبیا، دلیل، سراج، علم، سید، برّ، و منار از جمله اوصاف شخصیتی ایشان است.

فصل چهارم: امام زمان (ارواحنا فداه) در عصر غیبت

امام رضا (علیه السلام) تصویر بسیار جالبی در این دعاها از جایگاه امام و منتظران او در دوران غیبت، و همچنین فرهنگ مهدوی برای زندگی مسلمانان ارائه کرده است که توجه به برخی از ابعاد مهم آن راهگشا و حایز اهمیت خواهد بود. این ابعاد به قرار زیر است:

۱. امام در عصر غیبت

۲. اصحاب امام در عصر غیبت

۳. انتظار و فرهنگ انتظار

هر یک از این ابعاد را به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. امام در عصر غیبت:

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت دارای موقعیت و ویژگی‌هایی است که در روایات معتبر و غیر معتبر شیعه و سنی آمده و در طول تاریخ مهدویت کم و بیش مورد بحث و بررسی‌های محققان اسلامی قرار گرفته است. اما آنچه که در دعا‌های امامان معصوم (علیهم السلام) در این باره وجود دارد، حاوی نکاتی است که شاید به دلیل مطرح شدن آنها در قالب دعا و معاملی مردم با دعاها به مثابه‌ی ابزاری صرف برای

برقراری ارتباط معنوی با خداوند و ائمه بوده است، چندان مورد توجه و عنایت مردم و حتی محققان و صاحب نظران واقع نشده است. از این رو، نگاه به تصویری دعایی و مناجاتی از مسایل مربوط به امام زمان (ارواحنا فداه) در دوره‌ی غیبت و عصر ظهور امری ضروری و جالب به نظر می‌رسد؛ به ویژه این که ابعاد تربیتی و آموزشی دعا‌های اهل بیت (علیهم السلام) این مسایل را نیز در بر می‌گیرد. حال با بررسی دعا‌های امام رضا (علیه السلام) با این نگرش، نکات ذیل قابل استفاده است:

الف. کیفیت حفظ الهی امام در عصر غیبت: «و اسلکة من بین یدیه و من خلفه رسداً یحفظونه من کلّ سوء و أبدله من بعد خوفه أماناً یعبدک لایشرک بک شیئاً و لاتجعل لأحدٍ من خلقک علی ولیک سلطاناً»؛ یعنی بار خدایا! از پس و پیش بنده‌ی صالح خودت محافظانی قرار بده که او را از هر پدیده‌ی بدی نگه دارند و ترس او را به امنیت و آرامش تبدیل کن تا در آرامش الهی خود بدون کمترین توجه به ماسوی الله به بندگی تو مشغول گردد، هیچ چیزی از شرک همراه او نباشد و به هیچ کسی نسبت به ولیّ خودت سلطه‌ای قرار نده.

همین معنا در دعای توسلی که از ناحیه‌ی مقدسه به محمد حمیری صادر شده است نیز آمده و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین تعلیم فرموده است: «اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ

مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ^۱ و در دعای دوم از همین مجموعه^۲ چنین آمده است: «و أعذه من شرّ جميع ما خلقت و برأت و أنشأت و صورّت، و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته.»

با توجه به این فراز از دعا، خداوند ولیّ دوران را با محافظت‌های غیبی و عنایت‌های ویژه‌ای برای آخرالزمان نگه داشته است. به گونه‌ای که این محافظان که عبارتند از ملائکه، جنّ، انسان‌های پاک و انصار ویژه‌ی ایشان، و سایر موجودات، امام خود را از هر بلا و شرّی محافظت کرده و مانع از آسیب رساندن هر موجودی به ویژه کفار و سلاطین جور (طاغوت) بر وی می‌گردند. همین مضمون در دعای منقول از خودِ امام عصر (ارواحنا فداه) نیز چنین آمده است: «وَ اَزْجُرْ عَنْهُ اِرَادَةَ الظّالِمِينَ وَ خَلِّصْهُ مِنْ اَيْدِي الْجَبّارين»^۳ ب. غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یعنی استقرار او در جوار الهی: «و اجعله فی ودیعتک التی لاتضیع و فی جوارک الذی لایخفر و فی منعک و عزک الذی لایقهر و آمنه بأمانک الوثیق الذی لایخذل من آمنته به و اجعله فی کنفک الذی لایرام من کان فیهِ»؛ یعنی خدایا او را در آن ودیعات قرار ده که ضایع نمی‌گردد، در جوار دست نیافتنی (برای دیگران) خودت جای بده، در نصرت و عزّت خودت که مقهور قدرت‌های

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۲۵.

۲. یعنی دعای دوم از دعاهاى امام رضا (علیه السلام) که در ابتدای مقاله نقل شده است.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۵۳، دعایی که از جانب امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ابو الحسن

ضراب توفیق فرموده‌اند.

دیگر واقع نمی‌شود، قرار بده و او را در امنیّت و آرامش مورد اعتمادت که امان یافتگان آن خوار و ذلیل نمی‌گردند قرار بده و در حمایت خودت که از بین نمی‌رود، جای بده.

یکی از مسائلی که هنوز هم میان علمای اسلام به طور کاملاً صریح و دقیق روشن نشده است، این نکته است که ماهیّت غیبت امام عصر چیست؟ آیا در میان ما زندگی می‌کند و با تصرّف در ابزار ادراکی انسان‌ها مانع از رؤیت و مشاهده‌ی عیانی گشته است؟ آیا مثل حضرت عیسی یا ادریس پیامبر به عوالم برین نظیر آسمان چهارم رفعت یافته است و از آن جایگاه به تصرف در امور هستی می‌پردازد و در هنگام ظهور به زمین نزول خواهد کرد؟

با صرف نظر از بحث‌های پیچیده‌ی نظری و نه چندان روشن در این زمینه، و با دقت در معنا و محتوای فراز مزبور از دعای امام رضا (علیه السلام) روشن می‌شود که گویا امام غایب چه در روی زمین بوده باشد و چه در آسمان‌ها، از حمایت، امنیّت، حفاظت، و عنایت جوار الهی برخوردار است و این یعنی ظهور یافتن همه‌ی کمالات و اسمای الهی در وجود نازنین امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

ج. سرپناه شیعیان: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت مهم‌ترین و یگانه سرپناه و به تعبیر روایی «حصن» شیعیان است؛ زیرا خاتم ولایت اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) حضرت مهدی است و بنا به روایت معروف «ولایه علی بن ابی طالب علیه السلام حصنی فمن دخل حصنی أمن

من ناری»^۱ و حدیث معتبر «وَجَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ بَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَ يَتَّبِعِي الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي وَ حِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^۲ ولایت آنان حصن امین شیعیان از هر گونه عذاب و پلیدی است. از این رو امام رضا (علیه السلام) عرضه داشته است: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ وَ مَعْقَلِي مِنَ الْمَخَافِ». و روشن است که امام هشتم (علیه السلام) خودش یکی از مصادیق و ارکان حصن امن الهی است و نیازی به سرپناه ندارد؛ چرا که صاحب مقام ولایت است. بنابراین، مضمون آن، دعا برای شیعیان، آموزش کیفیت طلب از محضر خدا و رعایت ادب در پیشگاه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است. حال، سرپناه در این دعا، هم برای امروز و هم برای آینده طلب شده است و این یعنی تداوم ولایت و دوام فیض الهی.

د. نجات بخش شیعه؛ با توجه به تأکید بر امروز (یعنی الیوم) در دعا، امام عصر در همین عصر غیبت نیز نجات بخش شیعه از امور مختلفی مثل طاغوتیان، شورشیان، دشمنان، فاسقان و نیز از شرّ بلاای معلوم و نامعلوم است. این مسئولیت الهی انحصاری به عصر ظهور ندارد تا شیعیان برای نجات از مشکلات متعدد عصر غیبت، فقط منتظر ظهور آن حضرت مانده و

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ترجمه آیه الله حجّت کمره‌ای، انتشارات کتابخانه اسلامی، چ‌چهارم، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵؛ محمد تقی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تصحیح سیدحسین موسوی کرمانی، شیخ علی‌بن‌ناہ اشتهاردی، و سید فضل الله طباطبائی، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چ‌دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳، ص ۲۱۲؛

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۹۸؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۲۲.

امیدی برای حل معضلات اساسی جهان تشیع در همین زمان نداشته باشند. اگر چنین تفکری در جریان باشد، چیزی به جز انتظار منفی و ناکارآمد به ارمغان نمی‌آورد. بنابراین، حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) این گونه تمنا کرده است: «و نَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ فَاسِقٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْرَفَ وَ مَا أَنْكَرَ وَ مَا اسْتَتَرَ عَنِّي وَ مَا أَبْصَرَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ».

روشن است که نقش‌آفرینی‌های امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت، گسترده بوده و علی‌رغم مخفی بودن ایشان در پس پرده‌ی غیبت، با ابعاد مهم توحید افعالی مثل هدایت، شفای بیماران، نجات گمراهان، تعلیم طالبان معرفت از طریق الهام ظاهر می‌گردد.

۲. اصحاب امام در عصر غیبت و فرهنگ انتظار:

مضامین این دعاها علاوه بر جایگاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوره‌ی غیبت، به توصیف و مدیریت انصار آن حضرت در این دوره نیز توجه و تأکید دارد. از جمله مسایلی که در این زمینه مطرح است به قرار زیر می‌باشد:

الف. امام رضا و سایر ائمه (علیهم السلام) نیز از اصحاب حضرت ولی عصر (ارواح فدا) است: امام هشتم (علیه السلام) در چندین فقره از دعا‌های خود از خدا خواسته است که «مرا در زمره‌ی اصحاب آن حضرت قرار بده» (و اجعلنی من أنصاره). اساس و زیربنای اعتقادی این مسأله این است که حضرت مهدی در اندیشه‌ی ناب شیعه، خاتم الأولیا بوده و همه‌ی امور سایر

اولیا به دستان الهی اوست و نسبت آنان با وجود نازنین ولیّ خاتم، مثل نسبت سایر انبیا با خاتم الانبیا است.^۱

اهل معرفت، این خاتمیت را به عنوان میراث نبوت خاتم الانبیا دانسته و می‌گویند: اولیای هر پیغمبری نسبت به جایگاه همان نبی در مجموعه‌ی خلقت است که ارث می‌برند و رتبه‌ی پیامبر در نبوت هر چه باشد، ولیّ او نیز از رتبه‌ی مشابه در ولایت بهره‌مند می‌گردد. حال، به دلیل این که رتبه‌ی نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از جامعیت، کمال مطلق و ختم مطلق برخوردار بوده است، رتبه‌ی آخرین ولیّ او نیز دارای مقام ختم مطلق است. از این رو، سایر اولیای دین نبوی و حتی اولیای سایر انبیا نیز در زیر پرچم او خواهند بود.^۲ از همین جهت است که حضرت خضر، الیاس و عیسی (علیهم السلام) نیز در هنگام ظهور ایشان به او اقتدا خواهند کرد.^۳ ابن عربی این مطلب را این گونه تقریر کرده است:

قطبی که مرکز دوران احکام عالم و مرکز دایره‌ی هستی است، فقط از لحاظ اعتباری و اقتضای احکام مادی دارای کثرت است و الا یک امر بیش نیست. پس، پیامبر هر دوره‌ای از روزگاران، قطب آن دوره به شمار می‌رود

۱. ابن العربی، الفتوحات المکیه (۴جلدی)، ج ۱، ص ۱۸۵. البته ابن عربی در این بخش از گفتارش به ظاهر متناقض سخن گفته است. به طوری که در جایی عیسی را خاتم الاولیا دانسته و در جایی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را دارای مقام ختم ولایت معرفی کرده است. البته به دلیل تأخر زمانی بیان دوم او، نظر نهایی او به خاتمیت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در ولایت مطلقه معطوف است. و نیز: عبد الرزاق کاشانی، مجموعه رسایل و مصنفات کاشانی، ص ۵۳۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۱۴؛ محیی الدین ابن العربی، تنبیهات علی علو الحقیقه المحمدیه، ص ۲۶.

و با پایان یافتن مدت و حلقه‌های نبوت تشریح، خاتم انبیا آن قطبیت را به اولیای خود واگذار می‌کند که آنها نیز در نهایت به دست خاتم الأولیاء می‌رسانند و ختم ولایت مطلقه‌ی الهی به دست خاتم الأولیاء صورت می‌پذیرد. این یک سنت الهی است تا سلسله‌ی ولایت و تصرف در همه‌ی ابعاد و زوایای هستی به عینیت برسد.^۱

با توجه به وراثت کامل و مطلق ولی خاتم از پیغمبر خاتم، همه‌ی امور مربوط به ابعاد وجودی او مثل اخلاق، عبادت، تدبیر امت، تجلی اسمای الهی و تصرف در هستی را به ارث می‌برد؛ از این رو، ولی الله اعظم (ارواحنا فداها) فوق مراتب همه‌ی اولیا است.

از طرفی، به دلیل جامعیت مراتب امام عصر (ارواحنا فداها) بر همه‌ی مراتب ولایت اولیا، او در زبان دعاها هم چنین به وارث الأنبیا لقب داده شده است: «و صلّ علی الخلف الصالح الهادی المهدی إمام الهدی و إمام المؤمنین و وارث المرسلین و حجه رب العالمین.»^۲ چنان که در روایات مهدوی نیز این معنا ذکر و تأکید شده است.^۳

بنابراین، امام معصوم (علیه السلام) این گونه با خدا سخن می‌گوید: «اللهم اسلك بنا على يديه منهاج الهدى و المحجّه العظمى و الطريقه الوسطى، التى يرجع إليها الغالى و يلحق بها التالى و قوتنا على طاعته و ثبتنا على مشايعته و امنن علينا بمتابعته و اجعلنا فى حزبه القوامين بأمره، الصابرين

۱. محیی الدین ابن العربی، تنبیهاً علی علو الحقیقه المحمّديه، ص ۱۷.

۲. سیدرضی الدین بن طاوس، جمال الأسبوع، ص ۵۰۲.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۷؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۲.

معہ، الطالبین رضاک بمناصحتہ، حتی تحشرنا یوم القیامہ فی أنصارہ و أعوانہ و مقویہ سلطانہ. اللہم و اجعل ذلک لنا خالصاً من کل شکّ و شبہہ و ریاء و سمعہ، حتی لانعتمد بہ غیرک و لانطلب بہ إلا وجہک و حتی تحلّنا محلہ و تجعلنا فی الجنہ معہ و أعذنا من السأمة و الکسل و الفترہ و اجعلنا ممّن تنتصر بہ لدينک و تعزّ بہ نصر و لیّک و لاتستبدل بنا غیرنا، فإن استبدالك بنا غیرنا علیک یسیر و هو علینا کثیر. اللہم صلّ علی ولایہ عہدہ و الأئمّہ من بعدہ و بلّغہم آمالہم و زد فی آجالہم و أعزّ نصرہم و تمّم لهم ما أسندت إلیہم من أمرک لهم و ثبت دعائمہم و اجعلنا لهم أعواناً و علی دینک أنصاراً» و ہمہی ائمہ را زیر پرچم او معرفی می نماید. از این رو ہمہی مردمان اولین و آخرین در زیر پرچم آن امام ہمام محشور خواهند شد. چنان کہ در دعای دیگری این گونه ترنم می کنیم: «اللہم إنی أسألك بالحقّ الذی جعلتہ عندهم و بالذی فضلتہم بہ علی العالمین جمیعاً أن تبارک لنا فی یومنا هذا الذی أکرمتنا فیہ بالموافاہ بعهدک الذی عہدتہ إلینا و الميثاق الذی واثقتنا بہ من موالاه أولیائک و البراءہ من أعدائک أن تتمّ علینا نعمتک و لا تجعلہ مستودعاً و اجعلہ مستقراً و لا تسلبناہ أبداً و لا تجعلہ مستعاراً و ارزقنا مرافقہ و لیّک الہادی المہدی إلی الہدی و تحت لوائہ و فی زمرتہ شہداء صادقین علی بصیرہ من دینک إنک علی کلّ شیءٍ قدير.»^۱

۱. ابراهیم کفعمی، البلد الأمين، (چاپ سنگی)، ص ۲۶۱.

با این رویکرد، هر یک از ائمه (علیهم السلام) علاوه بر این که در زمان ظهور آن حضرت بازگشته و در ردیف مشایعت‌کنندگان ایشان قرار خواهند گرفت، در زمان غیبت نیز از همراهان و همفکران اصلی و مهم وی به شمار می‌روند، چنان که در ذیل مبحث انصار حضرت توضیح داده خواهد شد. حال سؤال این است که آنان در عصر غیبت حضور ندارند تا بتوانند به این مسؤولیت مزبور عمل کنند؛ پس این مسأله چگونه قابل توضیح است؟ پاسخ این است که مقام ولایت در قید زمان و مکان نمی‌گنجد و ولایت ولیّ خاتم، ازلی است نه عارضی و حادث که فقط در هنگام تولّد و عصر غیبت حاصل آمده باشد. چنان که امام الموحّدین علی بن ابی طالب (علیه السلام) صاحب مقام ولایت مطلقه‌ی حق تعالی بنا به حدیث منسوب به وی این گونه می‌فرماید: «كنت ولياً و آدم بين الماء و الطين.»^۱ بنابراین، امامت و عملکرد ائمه (علیهم السلام) در زمان خودشان نیز به عنوان مصداق و تجلی ولایت امام عصر (ارواحنا فداه) بوده است. از این رو، امام همه‌ی امام معصوم به نوعی آرزوی دیدار و خدمت در رکاب آن بزرگوار را مطرح کرده‌اند.^۲

۱. این عبارت اگر چه به عنوان حدیث مطرح شده است، اما در هیچ یک از جوامع حدیثی حتی به صورت مرسل یا مرفوع نیز نقل نشده است؛ با این همه روایات صحیح فراوانی وارد شده است که مضمون و محتوای آن را تأیید می‌کند. رک به: سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، سید محسن موسوی تبریزی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج سوم، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۶۷ به بعد.

۲. با تعبیری مثل «طوبی لمن ادركه»: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۳۰.

شاید بتوان پاسخ دیگری را با این بیان ترتیب داد که ایشان با آگاهی از این که عصر غیبت و ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) را درک نخواهند کرد،^۱ این فقرات را در مقام آموزش و تربیت شیعیان برای نوعی فرهنگ غنی انتظار متعالی به شیعیان خود تعلیم کرده باشند که در این صورت، محتوای تربیتی آن شایان توجه خواهد بود. با این رویکرد، فقراتی از دعاهای حضرت که شامل دعا برای تقویت بر اطاعت از ایشان است، فلسفه‌ی انتظار را ترسیم می‌کند.

ب. توحید و توکل اصحاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کامل است: آنچه که در ابعاد آموزشی و تربیتی دعاهای معصومین مورد توجه بود این است که ایشان مراتب توحید و میزان عبودیت اصحاب خود را نیز مورد تأکید قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که هم به آنان چگونگی و رسم موحد ولایی بودن را می‌آموزند و هم از مراتب ایشان خبر می‌دهند. یعنی به ما اطلاع رسانی می‌نمایند که شیعیان آنها چگونه هستند و چگونه باید باشند. یکی از مهم‌ترین ویژگی اصحاب قائم آل محمد (ارواحنا فداه) در دوره‌ی غیبت عبارت است از نیروی بسیار عظیم آنان در مراتب توحید نظری و عملی که نمودی از مقامات باطنی ولایت‌پذیری آنها به شمار می‌رود. آنها در این مراتب، کسی به جز خدا هیچ موجود و جایگاهی را برای وثوق و اعتماد کردن نمی‌شناسند و اساساً نمی‌بینند تا اعتماد کنند. از این رو، تنها و فقط به

۱. زیرا رجعت شخص ایشان در زمان حیات حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حتمی نیست و احتمال این که پس از شهادت وی بازگشته و دوره‌ی مخصوصی از زمان یعنی پس از ظهور را رهبری نماید وجود دارد.

پیشگاه او پناه می‌برند و یگانه درگاه امن برای رهایی از همه‌ی بدبختی‌ها و هلاکت‌های دنیوی و شیطانی، وجود جاری در رگ‌های هستی یعنی خداست. بنابراین، هر دم که سخن از بلا و محنت در حضور آنان به میان آید، ترنم عاشقانه و عارفانه‌ی آنان به گوش می‌رسد که: «فإني بك اللهم أعوذ و ألوذ و بك أثق و عليك أعتد و أتوكل و إليك ألتجأ و أعتصم و بك أستجير في جميع أموري و أنت غياثي و عمادي و أنت عصمتي و رجائي.» البته فرازها و تعابیر گوناگونی از این حقیقت در دعاها و مناجات‌های اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است که بررسی آن‌ها از این نظر و رویکرد حایز اهمیت بوده و شایان توجه است.

امام (علیه السلام) با طرح این مسأله در دعای خود که در مقام هدایت انسان‌هاست، زمینه‌ی ایجاد فرهنگ الهی برای انتظار ظهور موعود را فراهم می‌کند و نقشه‌ی صحیح و راهبردی را جهت بسترسازی مناسب برای تشکیل جامعه‌ی توحیدی ارائه می‌نماید؛ زیرا فرهنگ توحیدی تنها فرهنگی است که نمایه‌ی درستی از جامعه‌ی آرمانی و موعود را به دست می‌دهد و نمی‌توان بدون آن از انتظار و ظهور منجی سخن گفت.

بنابراین، در همه‌ی فقره‌های دعا‌های امام رضا (علیه السلام) که سخن از طلب حاجت و اظهار وجود در پیشگاه الهی است، مهم‌ترین مسأله‌ی مورد سؤال از محضر خدا، تحقق همین امر در جامعه‌ی شیعی و منتظر است، حتی امام به جزئیات مراتب پای‌بندی به توحید و اعتقاد قلبی به حقایق آن نیز تصریح کرده و عرضه می‌دارد: «اللهم فإني أوفى و أشهد و أقرّ و لا أنكر و لا أجد و أسرّ و أعلن و أظهر و أبطن بأنك أنت الله لا إله إلا أنت

وحدک لا شریک لک و أنّ محمّداً عبدک و رسولک صلی الله علیه و آله و أنّ علیاً أميرالمؤمنین سید الأوصیاء و وارث علم الأنبیاء. «روشن است که چنین اعتقادی نه صرفاً به عنوان امری قلبی، بلکه به عنوان یک جریان اجتماعی مطرح است؛ زیرا در این جا سخن از اظهار و اعلان در عرصه‌های اجتماعی و بین المللی است نه کتمان و خفاکاری. یعنی این ویژگی و عقاید در حقیقت، صفات اصلی جامعه‌ی منتظر است که توسط امام معصوم ترسیم شده است، به‌ویژه این که بر جزئیات این عقاید نیز تصریح شده است آن جا که به درگاه الهی عرض می‌کند: «اللهم و قد أصبحت یومی هذا لا ثقه لی و لا رجاء و لا ملجأ و لا مفرع و لا منجی غیر من توسلت بهم إلیک متقرباً إلی رسولک محمّد صلی الله علیه و آله، ثمّ علی أميرالمؤمنین و الزهراء سیده نساء العالمین و الحسن و الحسین و علیّ و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و من بعدهم یقیم الحجّه إلی الحجّه المستوره من ولده المرجوّ للأمه من بعده». نکته‌ی حایز اهمیت دربارهی این دعا این است که در برخی منابع ادعیه با نام «دعاء الاعتقاد» شناخته شده است.^۱ این نام با توجه به مضامین و آموزه‌های عقیدتی آن بسیار مهم و بامسمّا است.

د. خلق و خوی شیعه‌ی منتظر: در بعضی از فرازهای دعاها‌ی امام رضا (علیه السلام) به این نکته نیز تصریح و تأکید شده است که ویژگی‌های

۱. کفعمی، البلد الامین، ص ۲۸۷. این دعا در کتاب مزبور به امام کاظم (علیه السلام) نسبت داده

اخلاقی یک منتظر واقعی را از محضر خدا درخواست کرده است تا با عنایت خود، توفیق تخلّق به آنها را در زمان غیبت امام موعود به او ببخشد. مثل محبوبیت در نزد مردم و دوری از کینه و دشمنی با آنها: «و حَبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَ جَنِّبْنِي بَغْضَهُمْ وَ عِدَاوَتَهُمْ». این مسأله دارای دو جنبه است: یکی به مردم مربوط است که آنان شیعه‌ی منتظر را دوست داشته باشند و دیگر این که شیعه‌ی منتظر مردم را دوست داشته باشد.

۱. حَبْنِي إِلَى خَلْقِكَ: در یکی از دعاهای نبوی برای گرفتن هر حاجت دنیوی و آخروی از درگاه الهی این گونه آمده است: «اللهم حَبْنِي إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ لِي فِي قَلْبِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ غِلْظَةٌ وَ لَا يِعَارِضُونِي وَ اجْعَلْهُمْ يَسْتَقْبِلُونِي بِوَجْهِهِ بِسَيْطِهِ وَ يَقْضُونَ حَوَائِجِي وَ يَطْلُبُونَ مَرْضَاتِي وَ يَخْشَوْنَ سَخَطِي بِاسْمِكَ الْقُدُّوسِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ أَدْعُوكَ يَا اللَّهُ يَا نُوراً فِي نُورٍ وَ نُوراً إِلَى نُورٍ وَ نُوراً فَوْقَ نُورٍ وَ نُوراً تَحْتَ نُورٍ وَ نُوراً يَضِيءُ بِهِ كُلَّ نُورٍ وَ كُلَّ ظَلْمَةٍ وَ يَطْفِئُ بِهِ شِدَّةَ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ سُلْطَانَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِمْ سَبِيلٌ وَ بِهِ يَذَلُّ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، يَكُونُ [الْخَلَائِقِ] تَحْتَ قَدَمِي بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَهُ بِهٖ نَفْسَكَ وَ اسْتَقَرَّرْتَهُ بِهٖ عَلَى عَرْشِكَ وَ عَلَى كُرْسِيِّكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ يَكُونُ لِي نُوراً وَ هَيْبَةً عِنْدَ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِأَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ.»^۱ در این دعا هم فلسفه‌ی این امر که «چرا مؤمن و انصار امام زمان در عصر غیبت باید محبوب مردم قرار

۱. سید علی بن طاووس، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم، انتشارات رضی، بی‌تا،

گیرد» ذکر شده است و هم طریق رسیدن به چنین جایگاهی معین گشته است. از این جهت، توجه به این دعا برای اهل معرفت حایز اهمیت است.

۲. جنّبی بغضهم و عداوتهم: بغض و دشمنی از مصادیق امور حرامی است که خدای سبحان به هیچ رو از بندگان خالصش نه می‌پسندد و نه می‌پذیرد از این رو در دعاهای معصومین (علیهم السلام) فراوان وارد شده است که: «اللّهمّ ارزقنی الحلال و جنّبی الحرام»^۱ و «جنّبی ما حرّمته علیّ»^۲ می‌خوانیم که «و جنّبی سخطک و نقماتک»^۳ به دلیل ارتقا و تعالی اخلاقی منتظران امام عصر، باید از امور حرام و موارد سخط خداوند اجتناب کنند. بنابراین، یک منشور اخلاقی و اعتقادی برای انصار امام غایب نسبت به تعامل با انسان‌ها در این دعا ترسیم و تصویر شده است.

هـ خلوص نیت و شادابی در اعتقاد: یکی دیگر از ابعاد اخلاقی که امام برای شیعه‌ی منتظر به عنوان یک ایده‌آل اخلاقی و فرهنگی از خدا درخواست می‌کند، خلوص نیت و شادابی در اعتقاد به مبانی موعودگرایی است؛ زیرا خلوص بنده از هر گونه شک و تردید و ریا، مبنای اصل برای تحقق آرمان‌های توحیدی در جامعه‌ی مهدوی و مراتب کمالی انصار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. از این رو امام رضا (علیه السلام) چنین ترنم کرده است: «اللّهمّ و اجعل ذلک لنا خالصاً من کلّ شکّ و شبهه و ریا و سمعه» و این معنا در بسیاری از دعاهای و روایات

۱. فیض کاشانی، المحجّه البیضاء، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. کفعمی، البلد الامین، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۲۱۹.

آمده است. با تحقق یافتن چنین امری، یکی از ارکان انتظار سازنده و صحیح نیز عینیت می‌یابد که عبارت است از شادابی و پویایی در مسیر رسیدن به هدف والای حکومت موعود مهدوی. بنابراین، ایشان در پس این دعا بلافاصله بر آن رکن تأکید کرده و از حضور خداوند مسألت نموده است که: «حتی لانعتمد به غیرک و لانطلب به إلا وجهک و حتی تحلنا محلّه و أعذنا من السأمة و الكسل و الفتره.» با تحقق این دو رکن مهم اخلاقی و اعتقادی، بخشی از زمینه‌ی ظهور آن حضرت فراهم گشته و منتظران حضرت شأنیت یاری ولیّ دوران را در خود می‌یابند که امام (علیه السلام) عرضه داشته است: «و اجعلنا ممّن تنتصر به لدینک و تعزّ به نصر ولیّک و لاتستبدل بنا غیرنا، فإنّ استبدالک بنا غیرنا علیک یسیر و هو علینا کثیر.» البته نکات فراوانی در زمینه‌ی اخلاق و عقاید منتظران و انصار دولت مهدوی وجود دارد که در این دعاها مطرح نشده است.

فصل پنجم: عصر ظهور

در این دعاها سه مسأله‌ی محوری و کلیدی درباره‌ی عصر ظهور و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن زمان به طور بارز مطرح شده است: یکی خود امام زمان از نظر توجهات الهی نسبت به وی و دیگری ظهور عینی ابعاد توحید افعالی در وجود نازنین امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن دوره به گونه‌ای که به هیچ رو قابل انکار نخواهد بود، و نیز جایگاه انصار ایشان. توضیح هر یک از این سه محور به شرح ذیل است:

۱. توجهات خدا به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر ظهور: بر طبق روایات صحیح شیعه و احادیث معتبر نبوی، خداوند متعال در هنگام ظهور امام زمان (ارواحنا فداء) همه‌ی درهای برکات و عنایات خود را به روی وی و انصارش گشوده و همه‌ی امکانات و قابلیت‌های جهان را در اختیار ایشان قرار خواهد داد.^۱ به‌ویژه این که نصرت الهی در همه‌ی ابعاد آن در حمایت و پشتیبانی از ایشان خواهد بود که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فَإِنَّ مَعَهُ النَّصْرَ وَالظَّفَرَ»^۲ از این رو، امام در این دعاها نصرت و

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۲،

ص ۳۶۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱۷؛ ج ۵۱، ص ۲۹؛ و ج ۵۳، ص ۸۵

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱۷.

قوت غالب الهی را از پدیدگام خداوند برای آن حضرت در خواست کرده است: «و انصره بنصرک العزیز و ائده بجنک الطالب» و قوه مقوتک و ائده بملاکتک. همین خسوف در دعای دیگری که در شب قدر سوم ایستاد سوم رمضان و سایر اوقات سال در حق امام عصر (علیه السلام) خوانده می شود آمده است: «اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انصُرْ بِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلَيَّ بِرُوحِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَ الفَتْحَ عَلَيَّ وَ جَهْرَهُ لَا تُؤَخِّرِ الْأَمْرَ إِلَيَّ شَرِيهًا» از طرفی، خداوند تعالی سرور و تالابی بر لرزی را در وجود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرستاده است و همه ی درخشش می بخشند که موجب خوشحالی و چشم روشنی خود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گردد؛ زیرا تکابوی خستگی ناپذیر انصار بوندی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایشان را سرزنده تر و شادان تر می گرداند. در بخشی از دعای رضوی چنین می خوانیم: «اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَارِدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُسْرَهُ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تَقْرَبُ بِهِ عَيْتَهُ وَ تَسْرِبُ بِهِ نَفْسَهُ».

یکی دیگر از اسوری که خداوند در می کشود در زمان برکات و شرفانی با روی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انصارش است. عبارت عبارت است از تسلط بر همه ی سرزمین ها و حکومت های گذشته و حال (یعنی زمان ظهور)؛ امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این عنایت الهی و با نکیه در حاکمات، توحیدی بر همه ی حکومت ها و دولت های پادشاهی جهان گشته و آرمان های دهرین انسان های صالح را جامه ی عمل می پوشاند.

چنان که امام رضا (علیه السلام) عرضه می‌دارد: «و تجمیع له ملک الملل کلها قریبها و بعیدها و عزیزها و ذلیلها حتی تبری حکمه علی کل حکم، و تغلبها بحقه کل باطل.»^۱ از این رو در ادعیه وارد شده است که همه‌ی فرقه‌ها را گرایش‌ها مطیع وی خواهند گشت.

نکته نکات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و در روایات معتبر مطرح شده است، ولی در این دعاها ذکر نشده است که بررسی آن‌ها مجال مجزا می‌طلبد.

۲. ظهور ابعاد توحید افعالی در وجود امام زمان (ارواحنا فداه): کارهایی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه التریف) در عصر ظهور به اذن الهی انجام خواهد داد بخش گسترده‌ای از مراتب و مقامات توحید افعالی ایشان است که بحث و بررسی‌های فراوانی می‌طلبد، و از مجال این نوشتار خارج است؛ اما در دعاهای پرمحتوای رضوی نکات جالب و حایز اهمیت ذکر شده است که بررسی آن‌ها برخی از ابعاد آن مسایل را نمایان و روشن می‌سازد. این نکات عبارتند از:

الف. تأمین و جبران کاستی‌ها و خلل موجود در هستی: «اللهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق»

ب. اظهار عدل و میراندن ستم: و ائمت به الجور و أظهر به العدل؛ این امر به گونه‌ای خواهد بود که هر انسانی در هر دین و مراسمی که بوده باشد به حق

۱. المهدي الذي يجمع على طاعت الأراء المتفرقة و يؤلف له الأهواء المختلفة: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۵۵.

مسلم و الهی خود می‌رسد، چنان که در برخی روایات نیز به این مطلب تأکید شده است: «إنما يكون هذا إذا قام قائمنا فإنه يقسم بالسويه و يعدل في خلق الرحمن البر منهم و الفاجر.»^۱

ج. زینت بخشیدن به زمین و زمینیان به سبب حکومت طولانی مدتی که خواهد داشت: «و زین بطول بقائه الأرض»؛ بر طبق دعاها و روایات موجود، وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرین دوران زندگی بشر نعمت و فراوانی را بر طول و عرض زمین به ارمغان خواهد آورد.

د. به هلاکت رساندن و نابود کردن کسانی که با وی به مخالفت برمی‌خیزند: «و دمدم من نصب له، و دمر من غشه، و اقتل به جبابره الكفر و عمده و دعائمه.»

هـ. شکستن سرآمدان گمراهی، بدعت‌گذاران، دشمنان سنت‌های الهی و تقویت‌کنندگان باطل: «و اقصم به رؤوس الضلاله، و شارع البدع، و ممیته السنه، و مقویه الباطل»

و. به ذلت کشاندن ستم‌کاران، نابود کردن کافران و همه‌ی ملحدان در هر نقطه‌ای از کره‌ی خاکی که بوده باشند؛ به طوری که هیچ اثری از آنها بر زمین باقی نماند: «و ذلل به الجبارین، و أبر به الکافرین و جمیع الملحدین فی مشارق الأرض و مغاربها و برّها و بحرّها و سهلها و جبلها، حتی لاتدع منهم دیاراً و لاتبقى لهم آثاراً»

۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری (افست از: نجف اشرف، ۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۱۶۱.

ز. خداوند به وسیله‌ی ریشه‌کن کردن این عناصر از روی زمین آن را از لوٹ وجود آنان پاک گردانیده و در دل‌های بندگانش آرامش را خواهد انداخت و از این طریق به مؤمنان عزت بخشیده، سنت‌های انبیا (علیهم السلام) را زنده می‌گرداند و احکام دینی پیامبران الهی را در جوامع جاری و عملی می‌گرداند: «اللهم طهر منهم بلادک و اشف منهم عبادک و أعزّ به المؤمنین و أحي به سنن المرسلین و دارس حکم النبیین»

ح. تجدید و احیای حقایق و معارف دین الهی که در طول سالیان متمادی به بوته‌ی فراموشی سپرده شده و احکام آن تغییر یافته است: «و جدّد به ما امتحی من دینک، و بدل من حکمک.»

این امر در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است که امام زمان با ظهور خود دین جدیدی را ارایه خواهد کرد به گونه‌ای که اهل بصیرت نیز گمان خواهند برد که او شخصی انحرافی و تحریف‌گر است و به دروغ ادعای امامت می‌کند، از این رو با انکار او در مقابل وی قرار خواهند گرفت.^۱ براساس این دسته از روایات، ایشان تعلیم قرآن و احکام شرعی را از سر خواهند گرفت و مردم خیال خواهند کرد که آموزه‌های او خلاف دین (یعنی خلاف آنچه که تا آن زمان از دین آموخته‌اند) است و بدین جهت در مقابل او صف خواهند کشید و او به زور شمشیر آنها را قانع خواهد کرد.

این امر سه نتیجه‌ی بسیار مهم در پی خواهد داشت:

۱. محمدبن عمر کشی، رجال الکشی، تحقیق دکتر حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه

۱. اصل دین اسلام با نسخه و جزئیات اصلی آن بروز خواهد کرد: «حتی تعید دینک به و علی یدیه جدیداً غضاً صحیحاً لا عوج فیه و لا بدعه معه.»

۲. آتش ظلم و ستم با نورانیت عدالت گسترده‌ی اسلام خاموش خواهد شد: «و حتی تنیر بعدله ظلم الجور و تطفی به نیران الکفر.»

۳. از این طریق همه‌ی ابعاد پنهان و پیچیدگی‌های حقانیت و عدالت روشن و عیان خواهد شد و بنابراین، مجال انکار برای هیچ کسی باقی نخواهد گذاشت: «و توضیح به معاهد الحق و مجهول العدل.»

۳. جایگاه انصار حضرت مهدی که در رکاب ایشان خواهند بود؛ امام رضا (علیه السلام) در این دعاها نکات حایز اهمیتی را درباره‌ی انصار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان ظهور به ترتیب زیر ذکر کرده است:

الف. انصار امام عصر (ارواحنا فداه) از جمله‌ی سالکان هدایت یافته در محضر ایشان خواهند بود که به سوی طریق اعتدال وجودی خود بار یافته‌اند: «اللهم اسلك بنا علی یدیه منهاج الهدی و المحجّه العظمی و الطریقه الوسطی، التي يرجع إليها الغالی و يلحق بها التالی.»

ب. آنان در مسیر مشایعت امام و مولای خود ثابت قدم بوده و در اطاعت از ایشان استوار و محکم هستند و تبعیت از آن امام دوران را منتی الهی می‌دانند: «و قوتنا علی طاعته و ثبتنا علی مشایعته و امنن علينا بمتابعته.»

ج. آنان برپادارندگان امور امام خود، یعنی کارگزاران خوبی خواهند بود به طوری که نسبت به اطاعت از وی صبور بوده، نسبت به نصیحت‌ها و فرامین

ایشان راضی بہ رضای وی بودہ و ہموارہ در پی تقویت سلطہ و حکومت وی خواہند بود: «و اجعلنا فی حزبہ القوآمین بأمرہ، الصابریں معہ، الطالبین رضاک بمناصحتہ، حتی تحشرنا یوم القیامہ فی أنصارہ و أعوانہ و مقویہ سلطانہ.»

د. امامان پیشین نیز در ردیف انصار ایشان بر شمرده شدہ اند کہ در آن دولت بہ ہمہی آرمان‌ها و آرزوہای دیرین خود در مسیر احقاق حقوق الہی و انسانی در جامعہ خواہند رسید، بہ طوری کہ آنان در اوج عزت و استواری بہ تثبیت ارکان معارف الہی خواہند پرداخت و شیعیان ناب آنان نیز در رکاب ایشان در خدمت ولیّ دوران خواہند بود: «اللّٰہم صلّ علی و لاء عہدہ و الأئمّہ من بعدہ و بلّغہم آمالہم و زد فی آجالہم و أعزّ نصرہم و تمّم لہم ما أسندت إلیہم من أمرک لہم و ثبت دعائہم و اجعلنا لہم أعواناً و علی دینک أنصاراً»؛ دربارہی چند و چون این مسألہ روایاتی وجود دارد کہ در جای خود بررسی شدہ است.^۱

ہـ آنان برای یاری رساندن بہ یکہ تاز عرصہی ولایت از ہمہی امور دلخواہ طبیعی خود مثل خانوادہ و وطن گذشتہ و خود را بہ عنوان سلاح و سپر بلای امام و محبوب خود قرار می‌دہند، بہ طوری کہ تجارت‌های بسیار مہم و اساسی، معیشت و ہمہی لذت‌های عادی روزمرہ، را تعطیل و رها کردہ و بہ محضر ایشان راہ می‌یابند: «اللّٰہم و شرکاؤہ فی أمرہ و معاونوہ

۱. اساساً بحث رجعت یکی از مباحث پر رمز و رازی است کہ مسایل مہم فراوان اعتقادی را در خود جای دادہ است و در منابع کلامی فراوان مورد بحث و بررسی قرار گرفتہ است.

على طاعتك الذين جعلتهم حصنه و سلاحه و مفزعه و أنسه الذين سلوا
 عن الأهل و الأولاد و تجافوا الوطن و عطلوا الوثير من المهاد قد رفضوا
 تجاراتهم و أضروا بمعاشهم و فقدوا في أنديتهم بغير غيبه عن مصرهم و
 حالفوا البعيد ممن عاضدهم على أمرهم و خالفوا القريب ممن صدّ عن
 وجهتهم و ائتلفوا بعد التدابر و التقاطع في دهرهم و قطعوا الأسباب المتصله
 بعاجل حطام من الدنيا؛ از مجموع این امور که برای دل کندن از آن‌ها
 تأکید شده است چنین بر می‌آید که خالی کردن محبت و دلبستگی‌های
 گوناگون مادی و معنوی از شروط اصلی برای رسید به مقام و جایگاه رفیع
 انصار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و بدون تحقق یافتن این امر
 مهم نمی‌توان انتظار و ادعای رسیدن به چنان مرتبه‌ی بزرگی را داشت.

و. انصار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از گزند خطراتی که از
 سوی دشمنان‌شان احتمال می‌رود در امان الهی هستند؛ زیرا آنان زیر
 سایه‌ی عنایت و حمایت الهی قرار می‌گیرند که در ردیف ولایت عامه‌ی امام
 عصر (ارواحنا فداه) جاری گشته است. از این رو، خداوند اراده کرده است که
 به وسیله‌ی آن‌ها همه‌ی طرّاحان براندازی انوار آسمانی خاندان نبوت را
 ریشه‌کن خواهد کرد: «فاجعلهم اللّهم فی حرزک و فی ظل کنفک و رد
 عنهم بأس من قصد إلیهم بالعداوه من خلقک و أجزل لهم من دعوتک من
 کفایتک و معونتک لهم و تأییدک و نصرک إیّاهم ما تعینهم به علی
 طاعتک و أزهد بحقهم باطل من أراد إطفاء نورک و صلّ علی محمّد و
 آله.»

ز. انصار مهدی از جمله‌ی عاملان و فعالان اصلی در پروژه‌ی گسترش عدالت و داد و رحمت و فضل الهی در همه‌ی ابعاد زندگی بشر هستند که خداوند شاکر آنان است و دعاها‌ی خیر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوجه حال ایشان می‌باشد: «و املأ بهم کلّ أفق من الآفاق و قطر من الأقطار قسطاً و عدلاً و رحمه و فضلاً و اشکر لهم علی حسب کرمک و جودک و ما مننت به علی القائمین بالقسط من عبادک و أذخر لهم من ثوابک ما ترفع لهم به الدرجات إنک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید.»

آمین رب العالمین

کتابخانه:

کتابخانه کتب گرامر

۱- آثار سید مرتضیٰ انصاری، معسومه آثار حکیم صهبا، تحقیق و تصحیح حامد ناجی
جهانی و خلیل بهرامی نصر جسی، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۷۸.

۲- سید ابراهیم کفعمری، جنبه التزام اوقافیه و جنبه ایمان الباقیه (معروف به مصباح کفعمی)، قم،
انتشارات رضی (زاهدی)، ج دوم، ۱۴۰۵ق.

۳- ابن ابی الجهور احسانی، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق، ج ۴.

۴- اردبکر بزّار بصری، المسند، تحقیق علی بن نایف الشعود، بی جا، ۱۴۲۹ق (۱۴ مجلد).

۵- ابو عبدالله نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، تحقیق سمیر امین الزهیری، قاهره، مکتبه
العرفه، ۱۴۱۲.

۶- اسمعیل بن علی بطنان، احکام القرآن، تحقیق محمدصادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء
الکتاب العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۵.

۷- اسمعیل بن علی طبرسی، الإحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضیٰ، ۱۴۰۳ق، ج ۱، و ج ۲.

۸- امام خمینی (ره)، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری و تصحیح حسین استاد
زاده، تهران، انتشارات تربت، ۱۳۷۶.

۹- امام خمینی (ره)، مصباح الهدایه إلى الخلاقه و الولایه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی (ره)، ج ۲، ۱۳۷۶.

۱۰- امام رضا (علیه السلام)، صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام)، کنگره جهانی امام
رضا (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.

۱۱- امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (کلمات امام صادق علیه
السلام)، به کوشش عبدالرزاق گیلانی، تصحیح سیدجلال الدین محدّث، بیروت، موسسه
الاسمی المطبوعات، ۱۴۰۰ق.

۱۲- تاج الدین حسین بن حسن خوارزمی، شرح فصوص الحکم، تهران، انتشارات مولی،
ج دوم، ۱۳۶۸.

اجات ولایت (جاگاہ و شخصیت امام مہدی «عج» و...)

- حسن بن ابی الحسن دیلمی؛ إرشاد القلوب، قم، انتشارات شریف، شمس، ۱۴۱۲، ج ۱.
- خواجه نصیر الدین الطوسی؛ شرح الإشارات و التنبیہات، قم، نشر البلاغ، ۱۳۷۵، ج ۱.
- سعیدالدین فرغانی؛ منتهی المدارک و منتهی لب کامل و عارف و سالک، (فی شرح تالیف ابن فارض)، تصحیح وسام الخطاوی، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۶.
- سیدحسین بروجردی؛ تفسیر الصراط المستقیم، تحقیق علامہ رضا مولانا بروجردی، موسسه انصاریان، ۱۴۱۶، ج ۲.
- سید حیدر آملی؛ تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، سید محسن موسوی تهرانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج سوم، ۱۴۲۲، ج ۱.
- سید علی بن طاوس؛ الإقبال بالأعمال الحسنه فیما یبذل مره فی السنه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۶، ج ۲.
- سید علی بن طاوس؛ جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم، انتشارات رشتہ، بی تا.
- سید علی بن طاوس؛ مهج الدعوات، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱، ج ۱.
- سید مصطفی خمینی؛ ولایہ الفقیہ، تصحیح گروه پژوهش موسسه تنظیم و نشر ایران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
- شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی)؛ الأمالی، ترجمہ آید اللہ حبیب کمرہای، انتشارات کتابخانہ اسلامیہ، ج چهارم، ۱۳۶۲.
- شیخ صدوق؛ علل الشرایع، قم، داوری، (افست از: نجف اشرف، ۱۳۵۶)، ج ۱.
- شیخ صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیہ، ج دوم، ۱۳۹۵، ج ۱ و ج ۲.
- شیخ عباس قمی؛ مفاتیح الجنان، تهران، أسوہ، بی تا.
- صائن الدین علی بن محمد الترمذی؛ تمہید القواعد، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی و حواشی آقا محمد رضا قمشہای و آقامیرزا محمود قمی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰.
- صائن الدین علی بن محمد الترمذی معروف بہ ابن ترمذی؛ شرح قصص النبیین، تصحیح و تعلیق محسن بیدارفر، قم، بیدار، ۱۳۷۸، ج ۱.

- صدرالدین محمد قونوی؛ إعجاز البيان في تفسير أم القرآن، تحقيق سيدجلال الدين آشتياني، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۸۱.
- طيب سيد عبدالحسين؛ اطيب البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ج دوم، ۱۳۷۸، ج ۱.
- عبدالرحمن بن محمد ابن ابى حاتم، تفسير القرآن العظيم، تحقيق أسعد محمد الطيب، عربستان سعودی، مكتبه نزار مصطفى الباز، ج ۳، ۱۴۱۹ق، ج ۲.
- عبدالحق بن سبعين مرسى؛ أنوار النبى صلى الله عليه و آله أسرارها و أنواعها، قاهره، دار الآفاق العربيه، ۱۴۲۸ق.
- عبدالحميد بن ابى الحديد؛ شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ق (افست از: بيروت، دار إحياء الكتب العربيه، ج دوم، ۱۳۸۷ق)، ج ۲۰.
- عبدالرزاق كاشانى؛ مجموعه رسايل و مصنفات كاشانى، مقدمه و تصحيح مجيد هادى زاده، تهران، ميراث مكتوب، ج دوم، ۱۳۸۰.
- عبدالرزاق گيلانى؛ شرح مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه، تصحيح رضا مرندى، ۱۳۷۷.
- عبدالكريم جيلى؛ لوامع البرق الموهين، تحقيق قاسم طهرانى، بيروت، دار و مكتبه الهلال، ۲۰۰۹م.
- على بن عيسى إربلى؛ كشف الغمه، تبريز، مكتبه بنى هاشمى، ۱۳۸۱ق، ج ۲.
- على بن طيفور بسطام؛ منهاج النجاح في ترجمه مفتاح الفلاح، تهران، حكمت، ج ۶، ۱۳۸۴.
- فخرالدین محمد رازى؛ مفاتيح الغيب، بيروت، داراحياء التراث العربى، ج سوم، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ج ۳۲.
- قطب الدين راوندی؛ الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه، ج ۱.
- كمال الدين دميرى؛ حياه الحيوان الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، ج دوم، ۱۴۲۴ق، ج ۱.

- محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۳۸، ج ۴۴، ج ۵۱، ج ۵۲، ج ۵۳، ج ۵۵، ج ۸۳، ج ۹۲، ج ۹۴، ج ۹۹.
- محمدبن ابراهیم صدرالمتهین شیرازی؛ تفسیر القرآن الکریم (تفسیر ملاصدرا)، تحقیق محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ج دوم، ۱۳۶۶، ج ۱.
- محمدبن ابراهیم نعمانی مشهور به ابن زینب؛ الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
- محمدبن إسحاق بن یحیی بن منده؛ الإیمان، تحقیق علی بن محمدبن ناصر فقیهی، بیروت، موسسه الرساله، ج ۲، ۱۴۰۶ق، ج ۲.
- محمدبن حسن طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۷.
- محمدبن حسن طوسی؛ مصباح المتهد، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
- محمدبن شهر آشوب مازندرانی؛ مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم، موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴.
- محمدبن حمزه فناری؛ مصباح الأنس فی شرح مفتاح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مولی، ۱۳۷۴.
- محمدبن عمر کشی؛ رجال الکشی، تحقیق دکتر حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ق.
- محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)؛ الإختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- محمدبن محمدرضا قمی مشهدی؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳.
- محمدبن یعقوب کلینی؛ الکافی، تهران دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵، ج ۲، ج ۴.
- محمدتقی مجلسی؛ روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تصحیح سیدحسین موسوی کرمانی، شیخ علی پناه اشتهااردی، و سیدفضل الله طباطبائی، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ج دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳.

- محمد داوود قیصری؛ شرح فصوص الحکم، به کوشش سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- محیی الدین ابن عربی؛ التذییرات الإلهیه فی إصلاح المملکه (این کتاب به همراه دو کتاب دیگر یعنی عقله المستوفی و إنشاء الدوائر توسط چاپخانه بریل شهر لیدن در سال ۱۳۳۶ق چاپ شده است).
- محیی الدین ابن العربی؛ الرساله الوجودیه فی معنی قوله علیه السلام من عرف نفسه فقد عرف نفسه، تصحیح عاصم ابراهیم الکیانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج دوم، ۲۰۰۷م.
- محیی الدین ابن عربی؛ الفتوحات المکیه، بیروت، دار صادر (۴ جلدی)، ج ۱، ج ۲، ج ۳، ج ۴.
- محیی الدین ابن عربی؛ الفتوحات المکیه، تحقیق عثمان یحیی، قاهره، المكتبه العربیه، ج دوم، ۱۴۰۵ق (۱۴ جلدی)، ج ۱۲.
- محیی الدین ابن العربی؛ تنبیهاً علی علو الحقیقه المحمّدیّه، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق.
- میرحامد حسین لکهنوی؛ عبقات الأنوار فی إمامه الأئمه الأطهار، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین علی علیه السلام، ج دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، ج ۲۳.
- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی؛ المراقبات، تهران، موسسه دارالاعتصام، بی تا.
- میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸، ج ۵.
- مولی محسن فیض کاشانی؛ المحجّه البیضاء فی إحياء الإحياء، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج چهارم، ۱۴۱۷ق، ج ۲ و ۴.
- مولی هادی سبزواری؛ شرح نبراس الهدی فی أحكام الفقه و أسرارها، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار، ۱۴۲۱ق.